

بررسی زمین‌گیر شدن شیطان بزرگ در اصفهان، ۴۶ سال پس از شکست عملیات «پنجه عقاب» در گفت‌وگوی صبح صادق با سیدرضا صدرالحسینی

پرونده

# تحقیق بزرگ‌تر از طبس



# صادق

سالروز تأسیس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را گرامی می‌داریم

هفته‌نامه | سیاسی، فرهنگی و اجتماعی | سال بیست و پنجم | شماره ۱۲۲۳ | دوشنبه ۳۱ فروردین ۱۴۰۵ | دوم ذی‌القعدة ۱۴۴۷ | ۲۱ آوریل ۲۰۲۶ | ۸ صفحه | نسخه الکترونیکی

علی حیدری



سرمقاله

سلاح دروغ برای جبران شکست!

رامین نصیری



نگاه

فشار، تهدید و نمایش قدرت اینجا جواب نمی‌دهد!

بازار

## تراکم؛ بلایی که

## بر سر اقتصاد دنیا فرود آمد!

تاریخ

## در تکاپوی

## کسب علم و دانش

برشی از زندگینامه و خاطرات

رهبر شهید انقلاب اسلامی

# دو باره خدا دو باره طبس

پرونده

## قدرت چهارم جهان را تثبیت کنیم

پرونده

## سناریو سه وجهی علیه حزب الله!

محمد رضا فرهادی

کارشناس سیاسی



درباره تحولات لبنان و مذاکرات سه‌جانبه نماینده‌های لبنان، رژیم صهیونیستی و آمریکا برخی نکات زیر گفتنی است:

**۱** در برآوردهای اطلاعاتی رژیم صهیونیستی این گزاره وجود نداشت که حزب‌الله در این سطح قدرت و توان نظامی داشته باشد و این مسئله در مواضع آنها مبنی بر قدرت حزب‌الله بعد از یک روند دو ساله مشهود است. در واقع این شکست اطلاعاتی رژیم صهیونیستی را می‌توان به مثابه یک شکست اطلاعاتی، همچون عملیات طوفان الاقصی عنوان کرد.

**۲** تصمیم صهیونیست‌ها به مذاکره با دولت لبنان در واشنگتن، در ظاهر برای آتش‌بس بود، اما در عمل با هدف فشار بر حزب‌الله بود. دلیل اصلی صهیونیست‌ها در نپذیرفتن شمولیت لبنان در آتش‌بس آمریکا و ایران به همین دلیل بود که سعی دارند هرگونه توافق با لبنان را منوط به توافقی جداگانه و خارج از آتش‌بس با ایران انجام دهند.

**۳** براساس همین وضعیت بود که صهیونیست‌ها بار دیگر شروطی را براساس شرایط قبلی که مبتنی بر گزاره جنوب لبنان عاری از مقاومت است، به دولت لبنان ارائه دادند. این شروط بر مبنای اشغال جنوب لبنان، حضور در این مناطق و در نهایت خلع سلاح حزب‌الله استوار است.

**۴** حزب‌الله بر حسب شرایط دو سال اخیر و حملات مداوم صهیونیست‌ها به لبنان و جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی با ایران، اقدام نظامی را علیه رژیم انجام داد و شیخ نعیم قاسم نیز عنوان داشت که وضعیت تداوم حملات به لبنان قابل قبول نبود.

**۵** صهیونیست‌ها با برگزاری مذاکرات با لبنان با میانجی‌گری آمریکا به دنبال آغاز روند عادی‌سازی روابط با دولت لبنان هستند و این مذاکرات را پایه‌گذار چنین اقداماتی می‌دانند. این امر در سخنان ترامپ نیز مشهود بود که اعلام کرد لبنان و رژیم صهیونیستی بعد از ۳۵ سال دوباره با یکدیگر مذاکره خواهند کرد. در همین حال، صهیونیست‌ها به دنبال حضور نظامی خود در لبنان و مناطق جنوبی هستند و این امر را از طریق فشار بر دولت لبنان دنبال می‌کنند که حضور خود را در مناطق جنوبی تثبیت کنند و اشغالگری خود را تحت عنوان مبارزه با حزب‌الله ادامه دهند. همچنین گزاره انحصار سلاح در اختیار ارتش لبنان بر پایه همین عامل است که دولت لبنان را به سمت فشار بر حزب‌الله برای خلع سلاح سوق دهند. در نتیجه یک مثلث فشار مبتنی بر جنگ، فشار داخلی و مذاکرات برای خلع سلاح حزب‌الله در نظر گرفته شده است.

## سلاح دروغ برای جبران شکست!



علی حیدری

سردبیر

بر روند مذاکرات از طریق القای فضای اضطراب و بی‌ارادگی است.

ترامپ که در تجاوز نظامی توفیقی به دست نیاورده، با فضا سازی روانی گسترده، سه هدف مشخص را دنبال می‌کند:

اول، تضعیف روحیه ملت ایران از طریق بزرگ‌نمایی تحریم‌ها، القای بحران‌سازی اقتصادی و وانمود کردن آینده‌ای تاریک تا مردم را نسبت به کارآمدی نظام دچار تردید کند و انگیزه مقاومت و ایستادگی شورانگیز در خیابان را در آنان کاهش دهد.

دوم، تلاش برای ایجاد اخلال در محاسبات مسئولان و تضعیف روحیه و اقتدار نیروهای مسلح با شایعه‌پراکنی درباره اختلافات داخلی، القای ناکارآمدی تیم مذاکره‌کننده و زیر سؤال بردن توان دفاعی و موشکی کشور. اینکه هر از چند گاه تهدیدهای امنیتی و نظامی از سوی مقامات آمریکایی علیه کشورمان مطرح می‌شود، هدفش فرسایش روانی فرماندهان و مسئولان و مدیران کشور

طراحی می‌شود. سوم، تأثیرگذاری بر روند مذاکرات از طریق فشار حداکثری رسانه‌ای؛ ترامپ می‌خواهد این گونه القا کند که ایران ناچار به پذیرش هرگونه شروط تحقیرآمیز است. او با تهدید و چمق و هویج دروغین، سعی دارد تیم مذاکره‌کننده ایرانی را در موقعیت «آخرین فرصت» قرار دهد. اما تجربه تاریخی نشان داده که هرگاه تیم مذاکره‌کننده ایران با اعتماد به نفس و پشتیبانی مردمی پای میز مذاکره رفته، توانسته است امتیازات واقعی کسب کند، نه اینکه تسلیم باج‌خواهی شود.

در چنین شرایط حساس و سرنوشت‌سازی، وظیفه ملی و انقلابی ما حفظ فضای وحدت، همدلی و مقاومت هوشمندانه است. جنگ لایه‌های فکری و عاطفی جامعه و ایجاد دوگانه‌های کاذب است. بهترین پاسخ به این تاکتیک، اعتماد آگاهانه به مسئولان خدم کشور و تیم مذاکره‌کننده مقتدر کشور است. باید توجه

**در چنین شرایط حساس و سرنوشت‌سازی، وظیفه ملی و انقلابی ما حفظ فضای وحدت، همدلی و مقاومت هوشمندانه است. جنگ شناختی دقیقاً به دنبال نفوذ در لایه‌های فکری و عاطفی جامعه و ایجاد دوگانه‌های کاذب است. بهترین پاسخ به این تاکتیک، اعتماد آگاهانه به مسئولان خدم کشور و تیم مذاکره‌کننده مقتدر کشور است. باید توجه داشت که دشمن از هرگونه شکاف داخلی، اختلاف‌افکنی میان قوا، یا ابراز ناامیدی در فضای مجازی، حداکثر بهره‌برداری را می‌کند**

داشت که دشمن از هرگونه شکاف داخلی، اختلاف‌افکنی میان قوا، یا ابراز ناامیدی در فضای مجازی، حداکثر بهره‌برداری را می‌کند. از این رو، رسانه‌های داخلی، نخبگان، فعالان سیاسی و همه دلسوزان نظام موظف‌اند از دام‌ن زدن به اختلافات بی‌حاصل بپرهیزند و به جای آن بر تقویت امید و اعتماد به توانمندی‌های داخلی تمرکز کنند.

تجربه قریب به پنج دهه گذشته به روشنی نشان داده است هرگاه ملت ایران با بصیرت، انسجام و آرامش راهبردی در برابر جنگ روانی دشمن ایستاده است، توطئه‌ها خنثی شده و دشمن با شکست مواجه شده است. ترامپ و تیمش نیز از این قاعده مستثنی نیستند. هوشیاری در برابر دروغ‌پردازی‌های رسانه‌ای، پرهیز از بزرگ‌نمایی مشکلات و حفظ روحیه «ما می‌توانیم» بهترین پاسخ به جنگ شناختی امروز آمریکا است. ملت ایران، مسئولان و نیروهای مسلح بارها ثابت کرده‌اند که در برابر تهدیدها و فضا سازی‌های روانی، نه تنها عقب‌نشینی نمی‌کنند، بلکه با اتکا به خداوند و قدرت درون‌زا، هر توطئه‌ای را به فرصتی برای پیشرفت تبدیل می‌کنند. امروز نیز باید با اتحاد و همدلی، توطئه ترکیبی ترامپ را ناکام گذاشت و به او نشان داد که ملت ایران فریب جنگ روانی و دروغ‌های بی‌در پی و مضحک او را نمی‌خورد.

## فشار، تهدید و نمایش قدرت اینجا جواب نمی‌دهد!

آمریکایی‌ها نتیجه ملموسی از این جنگ در زندگی روزمره خود نمی‌بینند. برعکس، چیزی که حس می‌کنند افزایش قیمت بنزین، فشار تورمی و نگرانی از گسترش درگیری است. ترامپ بارها ادعا کرد که قیمت سوخت پایین آمده و حتی به خبرنگاری که گفت بنزین هنوز حدود چهار دلار برای هر گالن است، پاسخ داد که این حرف رسانه‌هاست و رسانه‌های ضد ترامپ هم فیک نیوز هستند، اما وزیر انرژی آمریکا، «کریس رایت»، با صراحت اعلام کرد حتی در صورت اتمام این جنگ میانگین قیمت بنزین احتمالاً تا سال آینده هم به زیر سه دلار بازمی‌گردد. این یعنی مردم چیزی متفاوت از روایت کاخ سفید تجربه می‌کنند.

ترامپ حتی کاهش تورم را هم به توافق با ایران گره زد و گفت اگر توافق حاصل شود، قیمت نفت پایین می‌آید و تورم کاهش پیدا می‌کند. همین جمله به‌خوبی نشان می‌دهد، خود دولت آمریکا نیز می‌داند فشار اقتصادی ناشی از این بحران را نمی‌توان انکار کرد. رئیس‌جمهوری که با شعار بهبود اقتصاد و کنترل هزینه‌های

زندگی به میدان آمده بود، حالا ناچار است برای مهار تورم به توافقی متوسل شود که سال‌ها آن را نشانه ضعف دولت‌های قبل می‌دانست. در حوزه اقتصادی، آمارهای داخلی آمریکا نیز چندان امیدوارکننده نیست. گزارش «فاکس بیزینس» از افزایش ۲۶ درصدی مصادره خانه‌ها در سه‌ماهه نخست سال خبر می‌دهد؛ بیش از ۱۱۸ هزار خانه در این مدت مصادره شده‌اند. این نشانه‌های آشکار از فشار معیشتی بر طبقه متوسط و کارگر آمریکاست. مردمی که به سختی هزینه مسکن، درمان و مواد غذایی را تأمین می‌کنند، به‌سختی می‌پذیرند که دولت‌شان ده‌ها میلیارد دلار صرف یک جنگ خارجی بی‌ثمر و بدون دلیل موجه کند.

از سوی دیگر، در خود آمریکا این پرسش جدی‌تر شده که آیا جنگ واقعاً برای امنیت ملی بوده یا بخشی از یک پروژه سیاسی برای نمایش قدرت انتخاباتی یا صرفاً انجام خواسته‌های کثیف بنیامین نتانیاهو؟ وقتی چهره‌هایی مانند استفن والت، استاد دانشگاه هاروارد، می‌گویند حمله به ایران بدون آماده‌سازی افکار عمومی

**ترامپ تلاش کرد جنگ با ایران را به مثابه نمایش قدرت شخصی خود معرفی کند. او بارها در سخنانش مدعی شد، «اوضاع بی‌نقص است» و آمریکا هر کاری بخواهد می‌تواند انجام دهد. حتی از رسانه‌ها خواست به جای انتقاد، از او قدردانی کنند؛ اما واقعیت میدانی با این تصویرسازی فاصله بسیاری دارد. گزارش‌های منتشر شده از رسانه‌هایی، مانند پولیتیکو و نیویورک تایمز نشان می‌دهد، نه اهداف نظامی آمریکا به‌طور کامل محقق شده و نه ارزیابی افکار عمومی به نفع ترامپ است**

**در خود آمریکا این پرسش جدی‌تر شده که آیا جنگ واقعاً برای امنیت ملی بوده یا بخشی از یک پروژه سیاسی برای نمایش قدرت انتخاباتی یا صرفاً انجام خواسته‌های کثیف بنیامین نتانیاهو؟ وقتی چهره‌هایی مانند استفن والت، استاد دانشگاه هاروارد، می‌گویند حمله به ایران بدون آماده‌سازی افکار عمومی آمریکا، بدون مشورت با متحدان و بدون برآورد دقیق پیامدها انجام شده، نشان می‌دهد که ترامپ اشتباه بسیار بزرگی مرتکب شده و حالا تنها و شکست خورده مانده است**



ارمین نصیری

کارشناس سیاسی

ترامپ همچنان سیاست خارجی خود را با منطق فشار، تهدید و نمایش قدرت پیش می‌برد؛ اما این بار ماجرای جنگ با ایران، برخلاف تصور اولیه کاخ سفید، نه به یک پیروزی سریع تبلیغاتی تبدیل شد و نه توانست بحران‌های داخلی آمریکا را بپوشاند. امروز ترامپ در داخل آمریکا با یک واقعیت سخت روبه‌روست: هزینه‌های جنگ بالا رفته، قیمت انرژی مردم را تحت فشار قرار داده، مخالفان سیاسی فعال‌تر شده‌اند، رسانه‌ها منتقد سیاست‌های غلط او هستند و حتی بخشی از پایگاه اجتماعی خودش هم درباره ادامه این مسیر تردید پیدا کرده است.

در همین حال، ترامپ تلاش کرد جنگ با ایران را به مثابه نمایش قدرت شخصی خود معرفی کند. او بارها در سخنانش مدعی شد، «اوضاع بی‌نقص است» و آمریکا هر کاری بخواهد می‌تواند انجام دهد. حتی از رسانه‌ها خواست به جای انتقاد، از او قدردانی کنند؛ اما واقعیت میدانی با این تصویرسازی فاصله بسیاری دارد. گزارش‌های منتشر شده از رسانه‌هایی، مانند پولیتیکو و نیویورک تایمز نشان می‌دهد، نه اهداف نظامی آمریکا به‌طور کامل محقق شده و نه ارزیابی افکار عمومی به نفع ترامپ است. طبق نظر سنجی جدید پولیتیکو، تنها ۱۵ درصد آمریکایی‌ها باور دارند که ترامپ به اهداف خود در جنگ با ایران رسیده است و بیش از دو سوم مردم، یعنی حدود ۶۷ درصد، از عملکرد او در این جنگ ناراضی هستند. این عدد، یعنی آمریکا از عملکرد ترامپ مأیوس شده است. در واقع، شاید مشکل اصلی اینجاست که

آمریکا، بدون مشورت با متحدان و بدون برآورد دقیق پیامدها انجام شده، نشان می‌دهد که ترامپ اشتباه بسیار بزرگی مرتکب شده و حالا تنها و شکست خورده مانده است.

در همین حین حتی برخی تحلیلگران آمریکایی معتقدند، این جنگ بیش از آنکه ایران را تضعیف کند، به اعتبار جهانی آمریکا آسیب زده است و به قدرتمندتر شدن ایران انجامیده است. اسناد منتشر شده از وزارت خارجه آمریکا نشان می‌دهد، این درگیری موجب افزایش احساسات ضدآمریکایی در کشورهای گوناگون شده و حتی برخی متحدان سنتی واشنگتن نسبت به سیاست‌های ترامپ دچار تردید شده‌اند. به هر حال، الگوی تهدید، فشار و نمایش قدرت ترامپ در مقابل ایران به الگوی «تهدید، فشار، جنگ و عقب‌نشینی» تبدیل شده است. ایران تقریباً تنها کشوری است که در برابر آمریکا مقاومت کرده و این مقاومت هم جواب داده است و آمریکا را به زیر کشانده است.

اما به هر حال ترامپ هنوز تلاش می‌کند با ادبیات پیروزی، بحران را مدیریت کند. او از «گفت‌وگو‌های عالی» با ایران حرف می‌زند، از پایان محاصره پس از توافق سخن می‌گوید و مدعی است، همه چیز تحت کنترل است؛ اما در داخل آمریکا، افکار عمومی بیشتر از آنکه این سخنان را باور کند، قبض بنزین، اجاره خانه و نگرانی از آینده را می‌بیند و گفتار درمانی را دیگر کارساز نمی‌داند. نکته اصلی این است که مسئله امروز ترامپ و آمریکایی‌ها فقط ایران نیست؛ مسئله این است که جنگی که قرار بود برگ برنده بزرگ آمریکایی‌ها باشد، آرام‌آرام به یک پرونده سنگین سیاسی و اقتصادی تبدیل شده است؛ پرونده‌ای که هزینه‌هایش را مردم آمریکا پرداخت می‌کنند و عایدی برای‌شان ندارد.

# در تکاپوی کسب علم و دانش

برشی از زندگینامه و خاطرات رهبر شهید انقلاب اسلامی - ۱



مهدی سعیدی

دبیر گروه تاریخ

در این سلسله مجموعه تلاش داریم برشی از زندگینامه رهبر شهید انقلاب اسلامی را مبتنی بر اسنادی که به جای مانده است، تقدیم علاقه‌مندان کنیم تا چراغ راهی برای خودسازی انقلابی و تربیت جوانان مؤمن انقلابی باشد. «وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا»؛ (و سلام بر تو، روزی که به دنیا آمدی، و روزی که با مشت گره کرده پر کشیدی، و روزی که دوباره مبعوث خواهی شد) سیدعلی فرزند آیت‌الله سیدجواد خامنه‌ای در ۲۹ فروردین ماه سال ۱۳۱۸ شمسی (برابر با ۱۳۵۸ قمری) در مشهد مقدس چشم به جهان گشود. او دومین پسر خانواده بود که تحصیل را در چهار سالگی از مکتب‌خانه و با فراگیری قرآن کریم شروع کرد و خیلی زود همزمان با تحصیلات دوره دبستان، قدم در حوزه نهاد. شوق او به آموختن دروس حوزوی موجب شد تا پس از اتمام دوره دبستان، وارد دنیای طلبگی شود و تحصیل علوم دینی را در مدرسه سلیمان‌خان ادامه دهد.

شخصیت او از خلق و خوی والدین تأثیر پذیرفت و این تربیت خانوادگی در فعالیت‌های سیاسی-اجتماعی او تأثیر داشت. وی بخشی از مقدمات را نزد پدر طی کرد. سیدعلی جوان خوش صحبت و اهل مراد بود و به گفته خود «برخلاف پدر که گوشه‌گیری را دوست داشت، من این خصلت ایشان را خوش نمی‌داشتم، لذا عکس آن را فرا گرفتم».

مادر نیز از شخصیت‌های اهل فضلی است که در تربیت فرزندش نقش مؤثری داشت. آقای خامنه‌ای نقل می‌کند که: «(مادر) داستان‌های پیامبران را برای من بازمی‌گفت. شیفتگی و افرش به زندگی حضرت موسی (ع) موجب می‌شد تا داستان زندگی این پیامبر بزرگ را با همه جزئیات برای ما شرح دهد. آنچنان با علاقه‌مندی درباره حضرت موسی سخن می‌گفت که شوق شنیدن ماجراهای او را در ما برمی‌انگیخت.»

از همان دوران نوجوانی بود که «شیفتگی شدید به مطالعه کتاب‌های داستان و رمان‌های مشهور جهانی و ایرانی» در او آشکار شد. این شیفتگی، دنیای سیدعلی را رنگارنگ‌تر از آنی می‌کرد که به جامعه تنگ محله‌ای در مشهد محدود باشد. او خواسته یا ناخواسته با دنیای جدید نیز آشنا می‌شد و شخصیت جامعی از او در حال شکل‌گیری بود. ایشان نقل می‌کنند: «شاید من همه داستان‌های «میشل ژاگو» را که ده تاست، خوانده‌ام. داستان‌های «الکساندر دوما»ی پدر و پسر را هم خوانده‌ام. همچنین تمامی یا بیشتر داستان‌های ایرانی را نیز خوانده‌ام. خواندن این داستان‌ها و رمان‌ها تأثیر محسوسی در ذهن و شیوه نگارش انسان دارد.»

سیدعلی پس از تحصیل در مدرسه سلیمان‌خان، به مدرسه نواب رفت و دوره سطح را در آن به پایان برد. همزمان با تحصیلات حوزوی دوره

دبیرستان را تا سال دوم متوسطه ادامه داد. آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای خود می‌گوید دروس سطح حوزه را در سال ۱۳۳۶ به پایان رسانده و سپس در درس خارج آیت‌الله‌العظمی میلانی شرکت کرده است. وی ۱۷ سال دارد که به این مجلس می‌رود و در ردیف کوچک‌ترین شاگرد او قرار می‌گیرد. آیت‌الله میلانی از علمای آذربایجانی الاصل مقیم مشهد بود و آقای خامنه‌ای نیز آذربایجانی الاصل بود و بعدها نیز که به قم رفت، در مدرسه حجتیه که متعلق به آیت‌الله حجت، از مراجع تقلید آذری مقیم قم بود، سکنی گزید.

سال ۱۳۳۷ باوجود مخالفت استادان خود در مشهد که او را به ماندن دعوت می‌کردند، پس از کسب نهایی رضایت پدر راهی قم شد تا تجربیات علمی خود را در این مرکز بزرگ جهان تشیع بیفزاید. دو سال پیش از این برادرش سیدمحمد به قم رفته بود و در مدرسه حجتیه صاحب حجره بود. اینطور بود که پای سیدعلی جوان نیز به مدرسه حجتیه باز شد. در قم نیز از میان این همه استاد، به‌طور خاص نشستن پای درس آیت‌الله‌العظمی بروجردی، حضرت امام خمینی (ره) و آیت‌الله حاج شیخ مرتضی حائری را برگزید.

مرحوم آیت‌الله سیدحسن طاهری خرم‌آبادی در این باره نقل می‌کنند: «آقا به درس شیخ مرتضی حائری (فرزند ارشد آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی مؤسس حوزه علمیه‌قم) می‌رفتند؛ با آقای حائری خیلی مرتبط بودند. آقای حائری هم به ایشان علاقه‌مند بود. حتی نقل کرده‌اند که آقای حائری فرموده بودند: «ایشان مثل فرزندم هست.» آقا آن وقت در قم بودند و به مدرسه حجتیه می‌آمدند. ما هم مکرر به حجره ایشان می‌رفتیم و با ایشان مرتبط بودیم.»

## حافظه

### سرخ‌پوستان متمدن

نگاهی به حضور استعمارگران در قاره آمریکا

سفر دریایی‌اش، نظیر «میکونل کونینو» جزیره از لحاظ وسعت و جمعیت

در دریای کارائیب است که ما بین کوبا در غرب و پورتوریکو در شرق قرار دارد. «کریستف کلمب»، ۵ دسامبر ۱۴۹۲، به این جزیره قدم گذاشت و با ورود به دنیای جدید، اولین مستعمره اسپانیا را در آمریکا بنیان نهاد. او در همه چهار سفر، فقط از این جزیره دیدن کرد. این جزیره به طور مشترک متعلق به هائیتی و جمهوری دومینیکن است. یک سوم غربی متعلق به هائیتی و دو سوم شرقی متعلق به جمهوری دومینیکن است. نام بومی این جزیره آیتی «سرزمین کوه‌های بلند» است که به رشته کوه همیسپانیولا و قله‌های بلند آن اشاره دارد؛ اما در عصر معاصر، این ژان ژاک دسالیین، انقلابی هائیتی بود که این نام را برای اشاره به جمهوری هائیتی به کار برد.

هنگامی که کریستف کلمب در سال ۱۴۹۲ میلادی، به جزیره همیسپانیولا قدم گذاشت، کل این جزیره پوشیده از جنگلی انبوه بود. سرخ‌پوستان «تاینو» که به سرزمین خود عشق می‌ورزیدند، تا پیش از ورود کلمب، یک زندگی رؤیایی داشتند و البته همه این جملات، برگرفته از خاطرات و گزارش‌های افراد شناخته شده و نامدار همراه کلمب در سفر دریایی‌اش، نظیر «میکونل کونینو» است. مردم تاینو عمدتاً «مانیوک» میکاشتند که نوعی گیاه با ریشه‌های نشاسته‌دار و بسیار شبیه سبزمینی بود. مانیوک، که با عنوانی همچون کاساو، یوکا یا تاپیوکا شناخته می‌شود، محصولی فوق‌العاده پرکالری است که امروزه غذای میلیاردها نفر را در سراسر جهان تشکیل می‌دهد.

تاینوها، که با نام آراواک مشهورند، متخصصان پرورش این گیاه بودند. «جاناتا سور» مورخ در اثر خویش با عنوان «تاریخ گیاهان زراعی» می‌گوید: «اسپانیاییها به‌شدت تحت‌تأثیر توان تولید کشاورزی آراواکا در زمینه کشت مانیوک در جزایر آنتیل بزرگ قرار گرفتند. یکی از مورخان اسپانیایی برآورد کرده بود که بیست نفر یا شش ساعت کار روزانه در طول یک ماه، می‌توانند به‌اندازه کافی یوکا بکارند تا نان کاساوی لازم برای روستایی سیصد نفره را برای دو سال تأمین کنند.»

طبق آنچه گفته‌اند، مردم تاینو مرفه بودند. همچنین طبق گزارش سور «جمعیت یک میلیون نفره آنها تغذیه خوبی داشتند.» با این همه، اسپانیاییهایی که سرانجام این مردمان را استعمار و چپاول کردند.

## تقویم انقلاب

### مسجد کانون حماسه

#### سید مهدی حسینی

مورخ و پژوهشگر



شهادت رهبر معظم انقلاب به منزله مصیبت عظمی جهان اسلام تلقی می‌شود؛ چرا که به دست جنایتکاران شقی آمریکا و رژیم صهیونیستی انجام گرفت و خون مظلومان گمنامی، از جمله کودکان خردسال و بی‌گناه هم به زمین ریخته شد؛ قطعاً این حادثه خونین دستاوردهای بزرگ و فراوانی به همراه خواهد داشت. در این یادداشت مختصر به چند نکته مهم و قابل توجه اشاره می‌شود.

۱ حرکت خودجوش و حماسی مردمی ملت ایران و درخشیدن در میدان حماسه و صحنه‌های اجتماعی که منعکس‌کننده روحیه ملی است.

۲ از صبح یکشنبه که خبر شهادت رهبر عزیز داده شد، مساجد که سنگر واقعی انقلاب هستند، بار دیگر قدرت خود را به نمایش گذاشتند و مؤمنان را به حضور پذیرفتند.

۳ مسجد صاحب‌الزمان (عج) تهران نو یکی از مساجدی بود که پس از برگزاری نماز مغرب و عشاء بعد از ساعت ۸ شب با هدف گرامی داشت شهادت رهبر عظیم‌الشان انقلاب حرکت مردمی در خور تحسینی به پا کردند و به سرعت امکانات اولیه هیئت و دسته سینمائی خیابانی را فراهم آوردند و نمادهای عزاداری را برافراشتند.

نکته جالبی که در میداين دیده می‌شد، حضور آقایان و بانوان کههنسال با عصا به دست بود که حضور این مردم رگامی داشته و احترام و ادب می‌کردند و در شعارها هم صدایی داشتند. شعارها کل فضای محله تهران نور پوشش داده بود؛ به طوری که در یکی از میداين مشاهده کردم جمعی از بانوان پرچم ایران و تعابیر مختلف رهبر شهید را در دست داشتند و با شعاردهنده جمعیت در حرکت هم‌صدایی می‌کردند که جملگی اینها یادآور خاطره حرکت‌های مردمی سال ۱۳۵۷ بود.

۴ یادآوری و تذکر این نکته به مسئولان مساجد لازم است که در دستور کار داشته باشند و آن اینکه همانند راهپیمایی‌های چندین سال گذشته حتماً تدبیر کنند تا در لحظات پایان راهپیمایی سخنران یا تحلیلگر سیاسی را همانند مداح و غیره همراه داشته باشند و از آخرین وضعیت‌ها گزارش دهند و نکات هشداردهنده را متذکر شوند یا حداقل امام جماعت مسجد در جمع حضور داشته باشد و از ورود مردم و حرکت خودجوش آنها تشکر کرده و برنامه بعدی را اعلام کند.

## دهلیز

### تدبر در تاریخ

بازخوانی تاریخ از افق شهید آیت‌الله العظمی خامنه‌ای!

یکی از توصیه‌هایی که بزرگان اهل علم و فضل همواره برای طالبان راه حق داشته‌اند، مطالعه تاریخ و آشنایی با حوادث گذشته است. گذشته به مثابه چراغ راه آینده، درس‌ها و عبرت‌هایی دارد که می‌تواند هدایتگر امروز ما باشد. کسی که از تجربیات پیشینیان درس نیاموزد، به واقع خطاها و اشتباهات گذشته را تکرار خواهد کرد و چه زیبا گفته‌اند: «هر که نامخت از گذشت روزگار/ هیچ‌ناموزدز هیچ‌آموزگار»

امیرالمؤمنین (ع) در وصیتی که به امام حسن (ع) داشته‌اند، می‌فرمایند: «پسر ما! احوال امم و ملل و تواریخ را به دقت مطالعه کن و از آنها درس بیاموز!» و در ادامه چنین تعبیری دارند: «پسرکم! اگر چه عمر محدودی دارم و با امت‌های گذشته نبوده‌ام که از نزدیک وضع و حال آنها را مطالعه کرده باشم، اما در آثارشان سیر کردم و در اخبارشان فکر کردم تا آنجا که مانند یکی از خود آنها شدم، آنچنان شده‌ام که گویی با همه آن جوامع از نزدیک زندگی کرده‌ام.» (نهج‌البلاغه/ ۳۱) حوادث تاریخی را از زوایای گوناگونی می‌توان نگرست و از هر منظر، گوشه‌ای از حقایق را درک کرد. این حوادث را می‌توان از لسان گوناگون نیز شنید که هر یک به طریقی حقایق تاریخی را نقل

در سال ۱۴۰۵ تلاش داریم تا نمونه‌هایی از توصیه‌های ایشان به اهمیت و ضرورت مطالعه تاریخ و همچنین تحلیل ایشان از برخی رخدادها و حوادث تاریخی را مطالعه و بررسی کنیم تا هر چه بیشتر با منظومه فکری آن حکیم شهید آشنا شده و از افق نگاه ایشان به پدیده‌های گوناگون بنگریم.

شیطان  
در آتشویژه پنجم اردیبهشت  
سالروز حماسه طبس

## ورودی

دوباره خدا  
دوباره طبس

حسن نوروزی

دبیر گروه سپاه



نسلی که معجزه «صحرائی طبس» را تنها در کتاب‌ها خوانده بود، اکنون «اصفهان» را با چشم دید؛ داستان از آنجا آغاز شد که با مدد الهی و حضور به موقع نیروهای مسلح ایران عملیات سرّی ورود آمریکایی‌ها به یکی از مراکز حساس افشا می‌شود. با آغاز شلیک نیروهای مسلح در صبح یکشنبه ۱۶ فروردین، حدود ۲۰۰ کماندوی ویژه نیروی زمینی آمریکا که با پیشرفته‌ترین تجهیزات پشتیبانی می‌شدند، مجبور به فرار شده و بر هواپیماها و بالگردهای مستقر در باند متروکه اطراف روستای مهیار در شهرضای اصفهان سوار شدند. در این ماجرا، ارتش ابرقدرت دنیا به دلیل فرار، دستپاچگی و کمبود وقت، مجبور به رها کردن تجهیزات پیشرفته هوایی خود شد، و یک جنگنده A۱۰ و یک پهپاد هرمس به وسیله سامانه‌های پدافندی ایران سرنگون شدند. «امیر حاتمی» فرمانده کل ارتش نیز در روزهای اخیر گفته است: «برای آمریکایی‌ها در جنوب اصفهان کمین زده بودیم. همه عناصر اطلاعاتی برای شکست دشمن در جنوب استان اصفهان آماده بودند. رزمندگان ارتش، سپاه، فراجا، بسیج و مردم منطقه جنوب اصفهان بر سر دشمن آوار شدند و با اولین شلیک، هواپیمای سی ۱۳۰ پایین آمد...» جالب اینجاست که ترامپ، رئیس‌جمهور شکست‌خورده آمریکا، پیشتر به فاجعه طبس اعتراف کرده بود: «آن طوفان شن یک فاجعه بود!» اما عبرت نگرفت. روابط عمومی سپاه در بیانیه‌ای قاطع اعلام کرد: «ترامپ قمارباز، خدای شن‌های طبس هنوز هست.»

اصفهان ثابت کرد که دست غیب الهی پشتیبان جبهه حق است. آمریکا اگر بار دیگر هوس تجاوز کند، شکستی سخت‌تر از طبس و اصفهان در انتظارش خواهد بود. خدای شن‌های طبس نمرده است؛ او زنده و پاینده است و چه خوب گفت رهبر شهید که «و کم قصمنا من قریه» یعنی ای مردم نومید نباشید از اینکه بتوانید یک قدرت و یک امپراتوری عظیم را به زانو در بیاورید. نگویید آمریکا یک قدرت جهانی است و چگونه یک ملت می‌تواند این قدرت را به خاک بنشانند، این کار در تاریخ بارها و بارها تکرار شده است؛ «و کم قصمنا من قریه».

## بررسی ابعاد مذاکرات اسلام آباد در گفت‌وگو با هادی محمدی

## قدرت چهارم جهان را تثبیت کنیم

جنگ تحمیلی سوم، پیچیده‌ترین رویارویی نظامی ایران در دهه‌های اخیر است که نه تنها معادلات قدرت در منطقه را دگرگون کرد، بلکه از لایه‌های پنهان توان دفاعی و دیپلماسی ایران پرده برداشت. انهدام ۱۷۵ فروند جنگنده فوق‌پیشرفته دشمن به وسیله سامانه‌های بومی پدافند هوایی، پرسش‌های بنیادینی درباره سازوکار تصمیم‌گیری، فرماندهی میدانی و مدیریت مذاکرات ایجاد کرده است. در آستانه پایان‌بندی این نبرد تمام‌عیار با میانجی‌گری اسلام آباد، گفت‌وگویی با «هادی محمدی» تحلیلگر ارشد مسائل منطقه انجام داده‌ایم که در ادامه مشروح آن آورده می‌شود.

## احسان بهاری

خبرنگار

سازوکار تصمیم‌گیری و فرماندهی  
میدانی و دیپلماسی در جنگ  
تحمیلی سوم را چطور ارزیابی  
می‌کنید؟

انهدام ۱۷۵ فروند جنگنده فوق‌پیشرفته آمریکایی-صهیونی به وسیله سامانه پدافند بومی ایران و پیامدهای آن برای بازدارندگی نظامی ایران در معادلات منطقه را، باید چنین تکمیل کرد که موفقیت به‌دست‌آمده نشان می‌دهد هم سامانه‌های به‌کار گرفته شده و هم تاکتیک‌های استفاده از تجهیزات نقش بسزایی داشته‌اند. خود این مسئله نشان می‌دهد، اولاً وسعت سرزمینی جمهوری اسلامی، چه به‌عنوان مشکل و چه به‌منزله مزیت، نیازمند لایه‌های گوناگون پدافندی است. ما نمی‌توانیم صرفاً با تکیه بر سامانه‌های پدافندی بومی مان که کارکرد منطقه‌ای، بخشی و محدود دارند، امنیت فضای کشور را تأمین کنیم و برای درجات جدی‌تری از بازدارندگی به آنها متکی باشیم. قطعاً در سطوح جدی‌تر نیازمند رادارهای برد بلند برای رهگیری از راه دور پرنده‌های مهاجم هستیم. برای لایه‌های پایین‌تر نیز باید برای شکار پرنده‌های مهاجم و به‌ویژه برای پرنده‌های سطوح پایین (که شامل بخشی از پهپادها می‌شود) طرح مشخصی داشته باشیم. آنچه طی این جنگ تا این مرحله شاهد بودیم، این است که بمب‌ها، موشک‌ها یا شلیک‌هایی که پهپادهای آمریکایی و صهیونیستی انجام می‌دادند، ما برای مقابله با آنها نیازمند ادوات و تجهیزات جدید هستیم. همان‌طور که در بخش بالا توضیح دادیم، اگر برآورد روشنی داشتیم که درگیری با ایالات متحده و رژیم صهیونی نباید یک جنگ محدود، بلکه جنگی سرنوشت‌ساز برای خودمان و در مقابل آنها تلقی شود، آنگاه برای آن همراهی لازم، برنامه‌ریزی‌های لازم و امکانات لازم فراهم می‌شد. حتی پیش از آن دیپلماسی لازم را به کار می‌گرفتیم تا بتوانیم از مزیت همکاری و ائتلاف با قدرت‌های بزرگ رقیب به نفع خودمان در این جنگ استفاده کنیم، ولی چنین نکردیم.

اینکه ما موشکی داریم که می‌تواند در سقف پروازی اف‌۳۵ آن را ساقط کند، یا مورد اصابت قرار دهد، یا حتی تهدید کند؛ و نیز راداری که بتواند هواپیمای شبح شکل را در رادارهای خودمان ببیند و به آن آسیب بزند، دستاوردها یا امتیازهای فوق‌العاده‌ای است که توسعه این امکانات و توانمندی‌ها، ضریب امنیت را در سطح بازدارندگی نظامی برای ما بیشتر تضمین می‌کند.

بخش دیگری از دستاوردهای ما مربوط به سامانه‌های آنتی‌هوا یا رهگیر و ضد هوایی نیست، بلکه مربوط به هدف قرار دادن اهداف دیگر آمریکایی و صهیونی با موشک و پهپاد است. هدف قرار دادن حداقل یک تاسه فروند هواپیمای آواکس در پایگاه سلطان بن عبدالعزیز در عربستان، یا سوخت‌رسان‌های آنها در آسمان عراق، یا هدف قرار دادن سایر هواپیماهای آمریکایی در این زنجیره معنا پیدا می‌کند.

اگر این فناوری و توانمندی‌های موشکی، پهپادی، سامانه دفاعی رهگیر و رادار، این کارکردها را داشته باشند، همه نیازهای ما را تأمین نکرده‌اند؛ ما در مقابل تعداد بسیار زیادی از پرنده‌های آنها قرار داشتیم و نیاز بود در برابر



همه آنها بایستیم. از جهت پوشش راداری سطح کشور حتماً نقصانی داریم. آیا این اهداف از مرزهای شمالی، از شیارهای کوهستان‌های شمال منطقه تهران، یا از کشورهای مرزهای شمالی، یا مرزهای غربی، یا هر مسیر دیگر که وارد می‌شوند، در پوشش رادارها و رهگیرهای ما قرار دارند؟ آیا سامانه موشکی پدافندی ما در آن سقف پروازی پرنده‌های دشمن هست که بتواند آنها را هدف قرار دهد؟ آیا پدافند به تعداد کافی در سطح کشور توسعه یافته است؟ اینها چیزهایی است که ضمن کسب این امتیاز و موفقیت‌ها، چشم‌انداز اقدامات فوری و گسترده برای مرحله پس از جنگ را در دستور کار ما قرار می‌دهد.

با توجه به نقش مذاکرات اسلام آباد  
در پایان جنگ، چگونه می‌توان  
پیروزی میدانی را در چنین مذاکراتی  
به توافقی پایدار تبدیل کرد که از  
جنگ‌های آینده جلوگیری کند؟

درباره مذاکرات اسلام آباد، من از یک جهت می‌خواهم تأکید کنم که آنچه از سوی رهبر معظم انقلاب تأیید شده، اعم از ترکیب تیم مذاکره‌کننده یا دستور کارهای تعیین‌شده برای آن، برای ما تابعین امری مولوی و واجب‌الاتباع است؛ اما به‌عنوان یک تحلیل کارشناسی، به نظر من با وجود همه مقدمات فراهم شده، تحلیل‌ها، سناریوهای مذاکراتی تهیه‌شده برای مقامات ارشد، و برآورد خسارت‌های خودی و دشمن که در نهایت به تصمیمات کلان کشور منجر می‌شود، توجه به برخی نکات مهم است.

مذاکره‌کنندگان ما باید اکنون بدانند که با چه ابزارهایی فشار بیاورند، اجازه‌مباحث انحرافی به آمریکایی‌ها ندهند، یا طوری رفتار کنند که آمریکایی‌ها خود را در شرایطی ببینند که نتوانند با مانورهای فریبکارانه، دستور کار مذاکره را به سمت موضوعات مورد علاقه خود سوق دهند. در برآورد از وضعیت خودی، با وجود خسارت‌های وارد شده به کشور، اگر باور داریم که سست‌پایه‌گذاری کردن این مسیر، ما را به استقبال مرحله جدیدی از خسارت‌های گسترده‌تر و جدیدتر می‌برد، پس خسارت‌های فعلی یا حتی بیشتر از آن نباید محاسبات راهبردی ما را تغییر دهد. این در حالی است که دشمن خسارت‌های ده‌ها برابر بیشتر از ما داشته و او در اضطراب بیشتری از ماست. ما اگر بتوانیم از بعضی که در مردم ایجاد شده به‌خوبی استفاده کنیم، تحمل و تاب‌آوری نسبت به خسارت‌ها با سهولت بیشتری انجام می‌شود و مردم چشم‌انداز قوی‌تری خواهند داشت. برای نمونه، اگر تنگه هرمز را همانطور که رهبر

که کشورهای غربی به‌ویژه آمریکا می‌بینند، امکان‌پذیر نیست. این اقدامات مجرمانه از سوی کشورهای عربی در کنار آمریکا و همچنین کشورهای اروپایی انجام شده است. آنچه باید بیشتر بر آن تأکید کرد، شکل‌گیری حاکمیت دلار بر اساس منطق و توافقات با کشورهای عربی برای استمرار این حاکمیت در جهان است. بر اساس این منطق، قیمت نفت جهانی همواره از جانب آمریکایی‌ها و دلار تعیین می‌شده، اما تنگه هرمز این طلسم را کاملاً می‌شکند و می‌تواند مدیریت قیمت نفت و فرآورده‌های مختلف را از اختیار آمریکا خارج کرده و در اختیار ایران قرار دهد.

ما هر زمان و به هر شکل که بخواهیم برای تعدیل رفتار، تغییر رفتار و جبران خسارت‌های وارد شده، از طریق تنگه هرمز و با برنامه‌ریزی و هوشمندی در برابر یکایک طرف‌های مربوطه اقدام کنیم، می‌توانیم مدیریت قیمت نفت جهانی را در اختیار داشته باشیم. بدیهی است که ضربه به پترودلار، بخش قابل توجهی از هژمونی اقتصادی ایالات متحده را در جهان و منطقه دچار خدشه و خسارت جدی می‌کند و اعتبار دلار را در سطح جهانی تنزل می‌دهد.

اگر این مسئله سرآغاز آتشفشانی برای صدمه به اعتبار دلار به‌منزله یک ارز جهانی و مسلط بر همه مؤلفه‌های اقتصاد جهانی باشد، از حالا به بعد این ابزار در اختیار ماست؛ یعنی دلاری که تاکنون بر زندگی و همه چیز ما مسلط بود، امروز ایران بر آن مسلط شده است؛ ضمن اینکه بر بسیاری عرصه‌های دیگر نیز تسلط داریم که یکی از آنها نفت و فرآورده‌هاست. برای نمونه، تولید هلیوم در پالایشگاه‌های قطر، عربستان و امارات، بخش کلیدی هوش مصنوعی در آمریکا را تغذیه می‌کرده؛ حداقل ۳۰ تا ۴۰ درصد نیازمندی‌های هوش مصنوعی که با تکیه بر گاز هلیوم تأمین می‌شود، از این منطقه بوده است. هوش مصنوعی امروز یکی از ارکان حساب‌سازی و قیمت‌سازی برای بورس در ایالات متحده است. این به معنای آن است که شما تمام اهرم‌های پایه اقتصاد آمریکایی، بورس آمریکا و بسیاری مؤلفه‌های اقتصادی این کشور را با مدیریت گاز هلیوم در این منطقه می‌توانید به دست آورید.

مسئله گزافه نیست اگر بگوییم ایران از این جنگ به‌منزله قدرت چهارم جهان خارج می‌شود. این حرف بدون پشتوانه نیست که خروج پیروزمندانه ایران از این جنگ می‌تواند جهش سرکوب‌شده‌ای را که در ۴۷ سال گذشته با ظلم کشورهای عربی، آمریکا و دیگران بر کشور تحمیل شده بود، در زمان بسیار کوتاهی در آینده در اقتصاد، توسعه، فناوری، صنعت و رفاه کشورمان محقق کند. این حرف بدون پشتوانه نیست؛ فقط گاهی ما باید احساس نمی‌کنیم و ممکن است آن را مانند کودکان ارزان بفروشیم. اگر اهداف دیگری پشت این مسئله نباشد، بدون آگاهی از ارزش این گوهر گرانبها، به راحتی ممکن است آن را در ازای هدیه‌های کوچک از دست بدهیم. این هشدار بزرگی برای کشور است که چشم‌انداز پیروزی‌های بسیار بزرگ‌تر از ایران در آینده، حتماً آثار خود را خواهد گذاشت و اگر بدتدبیری شود، ممکن است به خسارت تبدیل شود.

پس از اعمال حاکمیت ایران بر تنگه  
هرمز و ضربه به پترودلار، جایگاه  
ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ایران در  
نظم نوین جهانی را چگونه ارزیابی  
می‌کنید؟

در خصوص مسائل تنگه هرمز و تأثیر آن بر پترودلار، اگر تاریخ شکل‌گیری حاکمیت دلار را بدانیم و آنچه را که در جنگ ۵۰ روزه شاهد بودیم و نقشی که کشورهای عربی ایفا کردند، مشخص می‌شود. همان‌طور که در عصر پترودلار، کشورهای عربی به‌ویژه عربستان و سپس تدریجاً دیگر کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس، حاکمیت دلار را در جهان اجرا کردند، طی جنگ ۵۰ روزه نیز همکاری بسیار جدی داشتند تا در مدیریت قیمت فرآورده‌های نفتی، در کنار توییت‌های ترامپ، شوک به اقتصاد جهانی را مدیریت و مهار کنند و از خسارت‌های آن بکاهد. آنها می‌دانند که اگر قیمت نفت از ۱۲۰ دلار عبور کند، اقتصاد جهانی با وضعیت بحرانی چندساله مواجه می‌شود و پاسخگویی به خسارت‌های عمیقی



**بررسی زمین‌گیر شدن شیطان بزرگ در اصفهان ۴۶ سال پس از شکست عملیات «پنج‌عقاب» در گفت‌وگوی صبح‌صادق با سیدرضا صدرالحسینی**

# تحقیری بزرگ‌تر از طبس

**حسن نوروزی**

خبرنگار

نزدیک به چهار دهه پس از حماسه طبس ، آسمان منطقه بار دیگر در «جنگ رمضان» شاهد شکست سخت‌افزارانه آمریکا شد؛ آن هم با سرنگونی جنگنده‌های نظامی و آواکس. «سیدرضا صدرالحسینی» کارشناس ارشد مسائل بین‌الملل، درگفت‌وگو با هفته‌نامه «صبح‌صادق» واقعه طبس در سال ۱۳۵۹ را نقطه عطفی در نمایش «اراده الهی» در برابر فناوری برتر می‌داند و معتقد است، پس از ۴۶ سال، ماهیت شکست‌های آمریکا تغییری نکرده، تنها ابعاد آن گسترده‌تر شده است. وی در این گفت‌وگو از «دست‌پر عنایت خدا» می‌گوید که از انقلاب اسلامی برداشته نشده و محاسبات غلط و اشنگتن را بیش از پیش آشکار کرده است.

♦ **آقای صدرالحسینی، واقعه طبس در سال ۱۳۵۹ به نماد شکست فناوری پیشرفته در برابر «اراده الهی» و «مقاومت ملت ایران» تبدیل شد. حالا پس از حدود ۴۶ سال، در «جنگ رمضان» شاهد سرنگونی جنگنده‌های اف۳۵ و آواکس آمریکا هستیم. به‌زعم شما، مهم‌ترین تفاوت و شباهت این دو حادثه از نظر ماهیت شکست آمریکا چیست؟**

ببینید، من اتفاقاً در ارتباط با واقعه طبس–شاید اگر در اینترنت بگردید - مطلب قابل توجه و کاملی را چند سال پیش داشتم و فکر کنم روزنامه «سیاست روز» آن موضوع را منتشر کرده بود. واقعیت امر این است که توانمندی خداوند در این عملیات که به «طبس ۱» معروف شد - جایی که نیروهای دلتا برای حضور در جمهوری اسلامی و آزاد کردن گروگان‌های خودشان آمده بودند- خود را نشان داد. البته ما در دفاع مقدس هم این فضاها را دیده بودیم؛ اما شاید به این گستردگی نبود، شاید برای آمریکایی‌ها نبود، اما واقعیت این است که کسانی که در دفاع مقدس بودند و حتی در ارتباط با مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در جزئیات مسائل حضور داشته‌اند، این لطف و عنایت و قدرت خدا را بارها دیده‌اند. رهبر شهید نیز به این موضوع اشاره می‌کردند که «مردم حواس‌تان باشد، ما یک مراقب قدرتمندی به نام امام زمان داریم؛ دست خدا پشت سر این انقلاب است» و این یک واقعیت است.

حالا، ۴۶ سال پس از آن واقعه طبس، واقعهای که می‌دانیم در منطقه شهر عمومی شهرضد-بر بخشی به نام مهیار-اتفاق افتاد و شاهد سرنگونی تعدادی از هواپیماها و هلیکوپترها (قبلیش و بعدش) و هواپیمای اف۳۵ آمریکا بودیم، همه اینها نشان می‌دهد مسیر مردم، مسیر انقلاب اسلامی واقعاً درست بوده و هیچ مشکلی از قبیل غرور، خودخواهی، خودبزرگبینی و قطع ارتباط با خداوند در این ۴۶ سال به وجود نیامده است. خدا همچنان همان خدای سال ۱۳۵۹ است؛ این خدا، خدای سال ۱۳۵۷ است که انقلاب اسلامی را پیروز کرد؛ این خدا، خدای

–در کنار از بین بردن و کشتن (که ما تعبیر به شهادت داریم) همه رهبران اصلی کشور – موفق شدم و پیروزی در راه است، پیروزی نزدیک است.» به نظر من، اصل ماجرا این است که این محاسبات و گزارش‌هایی که به او داده می‌شود، بیش از آنکه از طریق مجامع اطلاعاتی آمریکا باشد، بیشتر از سوی موساد و بخش متمایل به موساد در سی‌آی‌ای به او گزارش می‌شود. افرادی همچون کوشنر و ویتکاف را دور خود جمع کرده که از آن طریق اطلاعات به دستش می‌رسد. ضمن اینکه آنها در حوزه مسائل اقتصادی وارد هستند، اما با موضوعات امنیتی، نظامی و مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی آشنایی ندارند. اخبار و اطلاعات‌شان را از همان مجموعه اصلی دریافت می‌کنند. جامعه اطلاعاتی آمریکا در این زمینه به نظرم هیچ جایگاهی ندارد و راهی به او نداده‌اند که بتواند حتی اطلاعات موساد یا آن بخش متمایل به موساد در سی‌آی‌ای را ارزیابی کند و اخبار درست بدهد. ظاهراً حوصله خواندن مطالب و مقالات را هم آن‌طور که گفته می‌شود، ندارد و مطالب را در گوشی به او می‌گویند و او بر آن اساس محاسباتش را استوار می‌کند. چند سال پیش هم رهبر شهید فرمودند نباید اجازه داد محاسبات غلط دشمن به محاسبات درست تبدیل شود. متأسفانه، این محاسبات غلط شرایطی را برای کشورهای منطقه، جمهوری اسلامی و آمریکایی‌ها به وجود آورده و دانم‌آبر این محاسبات غلط‌اصرار دارند و تصور می‌کنند می‌توانند بر اساس آن نتیجه‌ای بگیرند، به مأموریت‌های خود ادامه دهند و موفق باشند؛ در حالی که در این شرایط، اصلاً این موضوع امکان ندارد و وجود ندارد.

♦ **در طبس ۱ فقط چند هلیکوپتر منهدم شد، اما در جنگ رمضان، فهرست تجهیزات سرنگون شده (از آواکس گرفته تا سوخت‌رسان و پهپاد) یک فاجعه‌تمام‌عیاربرای پنتاگون است. به‌نظر شما، این تحول چه پیامی برای آینده «معادله بازدارندگی» ایران در خاورمیانه دارد؟ آیا کشورهای منطقه نگاه‌شان به قدرت آمریکا تغییر خواهد کرد؟**

آنچه اکنون ارزیابی می‌شود، فقط قدرت بازدارندگی و قدرت نظامی ما در ماجرای طبس نیست؛ طبس تنها یک نمونه از آن است. ما توانستیم برخی مسائل را برای اولین بار ایجاد کنیم: آواکس، هواپیماهای سوخت‌رسان، هواپیماهای نظامی اف۳۵، و شرایطی که در این ایام وجود داشت. بیش از ۱۷۰ هواپیمای بدون سرنشین سرنگون شدند. حتماً در معادلات بازدارندگی منطقه‌ای و بین‌المللی تغییراتی حاصل خواهد شد. در دفعات گذشته، مانند وعده صادق ۱، ۲و۳، کاملاً کورشدن رادارهای آمریکایی مطرح شد و این مسئله به وجود آمد. ما باید توجه داشته باشیم که بخش قابل توجهی از آنچه در سرزمین‌های اشغالی به عنوان پدافند گذاشته بودند- اگر بخواهیم حساب کنیم از زمانی که موشک‌های ما شلیک می‌شوند تا برسند به سرزمین‌های اشغالی- حداقل ۷ رینگ پدافندی وجود دارد. اینها به خصوص در این عملیات، یعنی وعده صادق ۴ با قدرت‌نمایی ایران کاملاً غیرعملیاتی شدند و امکان عملیاتی شدن نداشتند. به همین دلیل هم به راحتی موشک‌های ما عبور می‌کردند و عملیات موفقیت‌آمیز بود. بر این اساس می‌توانم بگویم مجموع آنچه اتفاق افتاد، هم در پدافند، هم در شلیک موشک‌های ما، هم در اقدامات نظامی و تهاجمی دریایی ما، کاملاً معادلات بازدارندگی منطقه را به نفع جمهوری اسلامی تغییر خواهد داد. همان‌گونه که فروش سامانه «تاد» بعد از عملیات وعده صادق ۲ کاهش پیدا کرد و بعضی از کشورهای منطقه به سمت خرید برخی پدافندهای غیر آمریکایی رفتند.

♦ **اکنون که طبس ۲ با ابعادی بزرگ‌تر رخ داده، پیش‌بینی شما از واکنش کاخ سفید در ماه‌های آینده چیست؟ آیا آمریکا به سمت جنگ سایبری یا تحریم‌های جدیدی می‌رود یا ناچار به عقب‌نشینی راهبردی در منطقه خواهد شد؟**

خوب ببینید، باز شما بحث را بردید روی مسئله طبس ۲. من متوجه هستم با توجه به سالگرد، اما مجموع اتفاقی که در طبس ۲ رخ داد و اقداماتی که در سؤال ۳ به آن پاسخ دادم، آمریکایی‌ها را مجبور می‌کند که در نوع تعامل‌شان با کشورهای منطقه و جمهوری اسلامی ایران تفاوت ایجاد شود. من اعتقادی به عقب‌نشینی راهبردی آمریکا ندارم، بلکه آمریکا نگران بزرگ شدن ماست و ما باید دقت داشته باشیم که در همین راستای بزرگ شدن در حوزه‌های مختلف، نگاه دقیقی به موضوعی به نام اقتصاد کشور هم داشته باشیم تا تحریم‌های آمریکا و هم‌پیمانانش تأثیر گذار نباشند.

در حوزه عملیات سایبری، جنگ سایبری، و همچنین در خصوص موضوع اقدامات پیشگیرانه امنیتی، باید کاملاً مراقب باشیم. آمریکایی‌ها ضربه بدی از جمهوری اسلامی و ملت ایران خورده‌اند. نکته اساسی دیگری که الان اشاره‌ای کوچک به آن کردم، بحث «مردم» بود. حتماً در ارتباط با موضوع ایجاد شکاف‌های اجتماعی فعالیت خواهند کرد. هنوز جنگ تمام نشده، هنوز دور دوم گفت‌وگو‌ها که احتمالضعفی برای برگزاری دارد برگزار نشده، هنوز زمان پایان آتش‌بس نرسیده، اما شما دارید مشاهده می‌کنید که ایجاد اختلاف به شیوه‌های

مختلف ممکن است در کشور ما ایجاد شود.

**همین امروز گزارشی از نفوذ بعضی از افراد در جمععات شبانه پرشکوه مردم وجود داشت که حتی اعلام کرده بودند اینها آمدند شعارهای تفرقه‌افکنانه دادند و به بعضی از مسئولان توهین کردند. افرادی که در شب‌های گذشته بر اساس گزارشی که در ارتباط با میدان انقلاب بود- می‌گفتند (ما ۴۴، ۴۵ شب است اینجا هستیم، اینها را اصلاً ندیده بودیم)، الان آمده‌اند بلندبلند به بعضی از مقامات سیاسی کشور فحش می‌دهند، بد و بیراه می‌گویند. سعی داشتند این تجمع عمومی را به گعده‌های کوچک تقسیم کنند و در آنجا بحث‌راه‌بیندازند.**

پس می‌خواهم این نکته را بگویم که آمریکایی‌ها با کمک دستگاه‌های اطلاعاتی که ممکن است در داخل کشور نفوذ کرده باشند- از جمله موساد- به دنبال این موضوع هستند. بنابراین هم در زمینه جنگ سایبری، هم در خصوص قضاییای امنیتی و ترورها، و هم در ارتباط با ایجاد شکاف، دوگانگی، ایجاد اختلاف، شکستن وحدت و انسجام حتماً باید منتظر اقدامات آمریکایی‌ها باشیم و مراقبت‌ها و دقت‌ها را افزایش دهیم.

♦ **شما در گفت‌وگوی اخیر تلویزیونی تأکید کردید که پیروزی در لبنان حاصل «مربع قدرت» شامل «میدان»، «دیپلماسی»، «رسانه» و «مردم» است. با توجه به اینکه در «جنگ رمضان» نیز شاهد هماهنگی مشابهی بودیم، آیا می‌توان «طبس ۲» را نیز محصول همین الگو دانست؟ چگونه حمایت مردمی در خیابان‌ها به «مهمات رزمندگان پشت لانچرها» تبدیل می‌شود؟**

بله، از ابتدای جنگ تحمیلی سوم، من به این مربعی که در سؤال خود اشاره کردید مربع قدرت، مربع اقتدار، مربع شوکت، مربع انسجام- کاملاً اشاره کرده‌ام. در چندین مصاحبه‌ام، چه مصاحبه‌های مکتوب و چه تلویزیونی یار ادیبویی، این نکته را بیان کرده‌ام و اینها را از عوامل اصلی پیروزی خودمان در این جنگ اخیر می‌دانم. همچنین باید دقت کنیم که مشابه این موضوع در شبسه کودتای ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه نیز وجود داشت، در عملیات جنگ تحمیلی ۱۲ روزه نیز با نسبت‌های گوناگونی دیده می‌شد، اما اکنون به اوج و بلوغ رسیده است. باید بگویم وقتی نیروهای مسلح ما در پشت لانچرها و پدافندها و حتی عملیات‌های هوایی-هم‌هوانیروز در سواحل و هم هواپیماهای جنگی و نظامی ما- احساس می‌کنند خانواده‌های‌شان، فامیل‌های‌شان، همسایگان‌شان، همشهری‌های‌شان، هموطنان‌شان و بالاتر از آن، در نقاط مختلف دنیا ملت‌های دیگر از آنها حمایت می‌کنند- همانند پاکستانی‌ها که درست مثل ما ۵۰ روز است در خیابان‌ها هستند، کشورهای مختلف دیگر، مانند بخشی از هند، بخشی از کشورهای اروپایی، کشمیر، لبنان با شرایط گوناگون از آنها حمایت می‌کنند-قطعاً این یک انرژی قابل توجه به آنها می‌دهد. رهبر شهید ما فرمودند: «مهمات موشک‌های نقطه‌زن جمهوری اسلامی، مردم هستند». به همین دلیل در طول این ۵۰ روز، هم امام شهیدمان، هم امام حی و حاضرمان، هم فرماندهان‌مان، هم همه عقلای کشور به حضور مردم درخواست دارند و اصرار می‌کنند که مردم حضور داشته باشند و این پشتوانه عظیمی است. دشمن در دنیا منتظر است که این مردم خسته شوند؛ وقتی خسته شدند، فشارهای اقتصادی بیشتر روی‌شان اثر می‌گذارد، کمبودهای روزمره ممکن است در آنها اثر بگذارد، افزایش قیمت کالاها ممکن است در آنها اثر بگذارد. در مجموع احساس می‌شود که این اقدام ممکن است ضربه اساسی وارد کند. بر این اساس، باید مراقبت لازم در این رابطه صورت بگیرد و هیچ کاستی‌ای در این موضوع به وجود نیاید. این مهم‌ترین پشتوانه نه‌فقط رزمندگان ما، بلکه دولتمردان ما، سیاستمداران ما و مذاکره‌کنندگان ماست. این فضایی که مردم ایجاد کرده‌اند، می‌تواند این تعبیر را در مجموعه اقدامات خودمان، اقدامات رسانه‌ای‌مان و اقدامات بین‌المللی مان داشته باشیم که این مردم، مردمی هستند که ۴۷ سال پیش انقلاب کردند و پای ارزش‌های خود ایستادند و شبانه نیز از آن حمایت می‌کنند. به ویژه در کنار این اقدام، آن اقدام بسیار مؤثر «جان فدا» بود که توانست دوباره زنده بودن و پای کار بودن مردم ما را در کنار این حضور شبانه‌شان به دنیا نشان دهد.



## دیگران

## چرا تنگه هرمز مهم است؟

## صبح صادق این یادداشت را صرفاً برای اطلاع مخاطبان منتشر می‌کند\*

وقتی به وقایع اخیر نگاه می‌کنیم، متوجه می‌شویم که توافق آتش‌بس میان ایران و آمریکا با شرط تضمین «عبور ایمن» از تنگه هرمز شکل گرفته است، تنگه‌ای که از اسفندماه و پس از آغاز حملات آمریکا و اسرائیل به ایران عملاً مسدود شده بود. این منطقه، که از شمال به ایران و از جنوب به عمان و امارات متحده عربی می‌رسد، در باریک‌ترین نقطه خود تنها سی و سه کیلومتر عرض دارد و خلیج فارس را به دریای عمان متصل می‌کند. بررسی ما نشان می‌دهد، اهمیت این مسیر آبی در این است که روزانه حدود بیست میلیون بشکه نفت و فرآورده‌های نفتی از آن عبور می‌کند که معادل ششصد میلیارد دلار تجارت انرژی در سال است. کشورهای عراق، کویت، قطر، عربستان و امارات نیز به این کریدور وابسته‌اند. علاوه بر نفت، حدود بیست درصد از گاز مایع جهان، عمدتاً از قطر، از این تنگه ترانزیت می‌شود. ما همچنین در می‌یابیم که یکسوم تجارت کود جهان و واردات مواد غذایی، دارویی و تکنولوژیک به خاورمیانه نیز تماماً در گرو عبور بی‌وقفه از همین مسیر است.

با مسدود شدن این تنگه، ما شاهد افت چشمگیر ترده‌های دریایی بودیم، به طوری که حدود نود و پنج درصد از رفت‌وآمد روزانه کشتی‌ها کاهش یافت. از آنجا مسیر حرکت کشتی‌ها در این تنگه کاملاً در آب‌های سرزمینی ایران و عمان قرار دارد، کنترل آن اهمیت بالایی یافته است و بدون اراده ایران هیچ شناوری قادر به عبور ایمن از تنگه هرمز نیست.

با شدت گرفتن این ماجرا درخواست آمریکا از متحدانش و حتی چین برای اعزام کشتی جنگی به منطقه با استقبال مواجه نشد. با این حال همزمان با افزایش تبعات بسته شدن تنگه، شاهد عبور محدود برخی کشتی‌ها از این تنگه بودیم، چرا که ایران اعلام کرد اجازه عبور کشتی‌های «غیر نظامی» را با هماهنگی مقامات مربوطه می‌دهد. پس از این خبر بود که کشتی‌های فرانسوی، عمانی، ژاپنی، چینی و هندی توانستند از تنگه عبور کنند.

در این ایام شاهد بودیم که برخی به دنبال راهکارهای جایگزین و دور زدن تنگه هرمز بودند؛ اما وقتی به راهکارهای جایگزین نگاه می‌کنیم، درمی‌یابیم که هر چند عربستان خط لوله ۱۲۰۰ کیلومتری و امارات خط لوله‌ای به فجیره با ظرفیت یک و نیم میلیون بشکه در روز دارند، اما حمل‌ونقل انرژی از طریق این مسیرها همچنان هشت تا ده میلیون بشکه در روز از عرضه جهانی کم می‌کند و حملات پهبادی به پایانه فجیره نیز این راهکارهای زمینی را با چالش جدی مواجه کرده است.

\*سرویس جهانی بی‌بی‌سی

نگاهی به چرایی اهمیت موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی ایران در غرب آسیا و ضرورت بهره‌برداری از این ظرفیت

# معجزه جغرافیا



نوید کمالی

دبیر گروه راهبرد



در حالی که سال‌ها برخی تحلیلگران و صاحب‌نظران معتقد بودند بدون انکا به ابزارهای بازدارندگی سخت‌ناتقارن همچون سلاح هسته‌ای، امکان تأمین امنیت پایدار برای کشورمان در فضای پر تهدید منطقه وجود ندارد، رخدادهای اخیر منطقه به‌ویژه پس از وقوع جنگ رمضان و تقابل مستقیم و گسترده کشورمان با تهاجم ترکیبی ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی، صورت‌بندی این مسئله را دگرگون کرده است و بسیاری از نخبگان کشور با ظرفیت‌های بی‌بدیل جغرافیای کشورمان خاصه در تنگه هرمز آشنا شده‌اند. در چنین وضعیتی، پرسش محوری اغلب نخبگان آن است که آیا بهره‌برداری اصولی از ظرفیت‌های جغرافیایی، مانند تنگه هرمز می‌تواند به‌مثابه یک جایگزین یا حتی مکمل مؤثرتر برای بازدارندگی کشورمان عمل کند و در عین حال منافع اقتصادی کشور را نیز ارتقا دهد؟

## ♦ گلوگاه انرژی و اهرم قدرت

در این چارچوب، یکی از برجسته‌ترین مصادیق «معجزه جغرافیا» برای کشورمان، تسلط تاریخی کشورمان بر تنگه هرمز به‌منزله یکی از حیاتی‌ترین گلوگاه‌های انرژی جهان است. این آبراه راهبردی که در باریک‌ترین نقطه خود پهنایی حدود چند ده کیلومتر دارد، حلقه اتصال خلیج فارس به آب‌های آزاد و مسیر اصلی انتقال انرژی از منطقه به بازارهای جهانی به شمار می‌آید. بر اساس برآوردهای نهادهای بین‌المللی، روزانه حدود ۲۰ میلیون بشکه نفت و سهم قابل توجهی از گاز طبیعی مایع جهان از این مسیر عبور می‌کند و مجموع ارزش سالانه این جریان انرژی به صدها میلیارد دلار می‌رسد. چنین ظرفیتی، تنگه هرمز را به یکی از حساس‌ترین نقاط ژئوپلیتیکی جهان تبدیل کرده است.

رخدادهای به وقوع پیوسته در جنگ اخیر، این اهمیت را از سطح تحلیل‌های نظری به سطح تجربه زیسته جهانی ارتقا داد؛ به این معنا که با اعمال محدودیت بر عبور و مرور کشتی‌ها و کاهش شدید تردد دریایی، بازارهای جهانی انرژی به‌سرعت واکنش نشان دادند و قیمت‌ها با جهش قابل توجهی مواجه شدند؛ به طوری که در برخی مقاطع، حجم تردد کشتی‌ها تا بیش از ۹۰ درصد کاهش یافت و این امر نه تنها کشورهای واردکننده انرژی در آسیا از جمله چین، بلکه اقتصادهای اروپایی و حتی کشورهای آفریقایی را نیز تحت تأثیر قرار داد. این وضعیت به‌خوبی نشان داد، امنیت انرژی جهان تا چه اندازه به این گلوگاه وابسته است و هرگونه اختلال در آن، می‌تواند به یک بحران چندبعدی تبدیل شود.

## ویژگی‌های قدرت جغرافیایی

تحلیل این پدیده نشان می‌دهد، قدرت ناشی از جغرافیا، واجد ویژگی‌هایی است که آن را از سایر اشکال قدرت متمایز می‌کند. نخست آنکه این نوع قدرت، غیرقابل جایگزینی کامل است، یعنی اگرچه برخی کشورها تلاش کرده‌اند با ایجاد خطوط لوله جایگزین یا توسعه مسیرهای جدید، وابستگی خود را به تنگه هرمز کاهش دهند، اما ظرفیت این مسیرها به‌هیچ‌وجه قادر به پوشش کامل جریان انرژی نیست. برآوردها حاکی از آن است که حتی در بهترین حالت، حذف تنگه هرمز از معادلات، به کاهش چند میلیون بشکه‌ای عرضه روزانه نفت در بازار جهانی منجر خواهد شد که پیامدهای اقتصادی گسترده‌ای برای



کشورهای جهان به دنبال دارد.

**دوم آنکه قدرت جغرافیایی، ماهیتی چندکارکردی دارد.** به این معنا که می‌تواند به‌طور همزمان در حوزه‌های امنیتی، اقتصادی و سیاسی ایفای نقش کند. برای کشورمان، کنترل بر تنگه هرمز نه تنها یک اهرم بازدارندگی در برابر تهدیدهای خارجی است، بلکه ظرفیت بالقوه‌ای برای کسب درآمد، تنظیم بازار انرژی و افزایش نفوذ در تعاملات بین‌المللی نیز به شمار می‌آید. طرح‌هایی مانند اخذ عوارض عبور یا ایجاد سازوکارهای مدیریت ترافیک دریایی، در صورت طراحی هوشمندانه و هماهنگ با حقوق بین‌الملل، می‌تواند به ابزارهای جدیدی برای تقویت قدرت ملی کشورمان تبدیل شود.

سوم آنکه این نوع قدرت، مبتنی بر وابستگی متقابل است. برخلاف بازدارندگی هسته‌ای که بر تهدید به تخریب متقابل استوار است، بازدارندگی جغرافیایی بر این واقعیت تکیه دارد که اختلال در یک گلوگاه حیاتی، نه تنها به زیان طرف مقابل است، بلکه به زیان کل نظام اقتصادی جهانی است. همین ویژگی، موجب می‌شود که بازیگران بین‌المللی در مواجهه با چنین ظرفیتی، رویکردی محتاطانه‌تر اتخاذ کنند و به‌جای تقابل، به دنبال مدیریت همکاری و تعامل بیشتر باشند.

در این میان، واکنش قدرت‌های جهانی به تحولات اخیر نیز تأمل‌برانگیز است. با وجود حضور نظامی گسترده ارتش ایالات متحده در منطقه و شروع طرح محاصره دریایی کشورمان، بسیاری از بازیگران از ورود مستقیم به یک درگیری پرهزینه با کشورمان اجتناب کرده و ترجیح دادند از مسیرهای دیپلماتیک و اقتصادی، بحران اخیر را مدیریت کنند. این امر نشان می‌دهد، هزینه اختلال در هرمز به‌سطحی رسیده که حتی قدرت‌های بزرگ نیز تمایلی به پذیرش عوارض ناشی از آن ندارند. از این منظر، تنگه هرمز را می‌توان به‌منزله یک اهرم بازدارندگی غیرمستقیم ارزیابی کرد که بدون نیاز به تقابل مستقیم، اثرگذاری قابل توجهی دارد.

## ♦ از سوئز تا مالاکا

با این حال، بهره‌برداری مؤثر از این ظرفیت، نیازمند عبور از نگاه صرفاً امنیتی و حرکت به‌سوی یک رویکرد جامع در حکمرانی جغرافیایی است. تجربه تاریخی نشان می‌دهد، کشورهایی که توانسته‌اند از موقعیت جغرافیایی خود به‌عنوان یک مزیت راهبردی بهره‌برداری کنند، معمولاً با

ترکیب ابزارهای اقتصادی، حقوقی و دیپلماتیک به این هدف دست یافته‌اند. برای نمونه، مصر با مدیریت کانال سوئز، نه تنها درآمد قابل توجهی کسب می‌کند، بلکه نقش مهمی در معادلات منطقه‌ای و جهانی ایفا می‌کند. به‌طور مشابه، کشورهای جنوب شرق آسیا با مدیریت تنگه مالاکا، توانسته‌اند جایگاه خود را در زنجیره‌های تأمین جهانی تثبیت کنند.

برای کشورمان، این تجربه‌ها حاوی یک پیام روشن است و آن، اینکه معجزه جغرافیا زمانی به یک مزیت پایدار تبدیل می‌شود که در قالب یک راهبرد کلان ملی تعریف و پیاده‌سازی شود. در این راستا، توسعه زیرساخت‌های بندری و لجستیکی، تقویت ناوگان حمل‌ونقل دریایی، ایجاد مناطق آزاد و ویژه اقتصادی، و ارتقای پیوندهای ترانزیتی با کشورهای همسایه، از جمله اقداماتی است که می‌تواند ظرفیت‌های موجود را بالفعل کند. همچنین، تقویت دیپلماسی اقتصادی و انرژی، به‌ویژه در تعامل با قدرت‌های آسیایی که وابستگی بیشتری به این مسیر دارند، می‌تواند به افزایش قدرت چانه‌زنی کشورمان کمک کند. در این زمینه خوب است که به یاد بیاوریم رهبر شهید انقلاب بارها بر ضرورت توسعه سواحل کشور تأکید داشتند و این توسعه را زمینه‌ساز پیشرفت اقتصادی کشور می‌دانستند.

در سطح کلان، می‌توان آینده نقش ژئوپلیتیکی کشورمان را فارغ از اینکه جنگ اخیر تا چه زمانی ادامه یابد، در قالب سه سناریوی اصلی تحلیل کرد. در سناریوی نخست، کشورمان به بهره‌برداری حداقلی از ظرفیت‌های جغرافیایی خود ادامه می‌دهد و نقش آن در معادلات جهانی محدود باقی می‌ماند. در سناریوی دوم، بهره‌برداری فعال، اما پراکنده از این ظرفیت‌ها دنبال می‌شود که اگرچه می‌تواند منافع کوتاه‌مدت ایجاد کند، به دلیل نبود انسجام راهبردی، پایداری لازم را نخواهد داشت. در سناریوی سوم که مطلوب‌ترین گزینه است، یک رویکرد یکپارچه و توسعه‌محور در پیش گرفته می‌شود که در آن، جغرافیا به محور اصلی سیاست‌گذاری اقتصادی و امنیتی تبدیل می‌شود.

در این چارچوب، مفهوم بازدارندگی جغرافیایی می‌تواند به‌منزله یک چارچوب نوین در اندیشه راهبردی کشورمان مطرح شود. این چارچوب بر این فرض استوار است که افزایش نقش کشور در شبکه‌های کریدوری حیاتی جهان، به‌طور

خودکار سطح امنیت کشورمان را نیز افزایش می‌دهد. به بیان دیگر، هرچه دیگران بیشتر به مسیرها، زیرساخت‌ها و ظرفیت‌های کشورمان وابسته باشند، هزینه هرگونه اقدام خصمانه علیه کشورمان نیز افزایش خواهد یافت. این رویکرد، نه تنها با اصول توسعه پایدار همخوانی دارد، بلکه می‌تواند به کاهش تنش‌های غیرضروری و تقویت تعاملات سازنده با کشورمان نیز کمک کند.

## ♦ جمع‌بندی و توصیه‌های سیاستی

به‌طور کلی تجربه جنگ اخیر، نقطه عطفی در بازتعریف مفهوم بازدارندگی برای کشورمان است، چرا که برخلاف برخی تصورات که بازدارندگی را صرفاً در چارچوب تسلیحات پیشرفته و اتمی تعریف می‌کردند، واقعیت‌های میدانی نشان داد موقعیت ژئوپلیتیکی می‌تواند نقشی مؤثرتر و کم‌هزینه‌تر ایفا کند. این امر، ضرورت بازنگری در اولویت‌های سیاست‌گذاری کشور و توجه بیشتر به ظرفیت‌های مغفول‌مانده جغرافیایی را برجسته می‌کند. در این زمینه و در فصل جدید حیات جمهوری اسلامی و در آستانه ورود به دوره‌های نوین حکمرانی، توجه ویژه به ظرفیت‌های کریدوری و جغرافیایی باید به‌منزله یک اولویت راهبردی در دستور کار قرار گیرد. تدوین یک سند جامع در حوزه ژئوپلیتیک اقتصادی، تقویت هماهنگی نهادی، سرمایه‌گذاری هدفمند در زیرساخت‌ها و ارتقای تعاملات منطقه‌ای، از جمله اقداماتی است که می‌تواند زمینه‌ساز تحقق این هدف باشد. همچنین، بهره‌گیری از ابزارهایی، مانند دیپلماسی ترانزیتی و انرژی، جایگاه کشورمان را در معادلات جهانی به‌طور معناداری ارتقا خواهد داد.

در پایان، اگر قرن اخیر را عصر رقابت بر سر کریدورها بدانیم، کشورمان در موقعیتی قرار دارد که می‌تواند از این رقابت به نفع خود بهره‌برداری کند و این مهم تنها زمانی به یک واقعیت راهبردی تبدیل می‌شود که با حکمرانی هوشمند، نگاه آینده‌نگر و اراده سیاسی برای بهره‌برداری حداکثری از ظرفیت‌های جغرافیایی کشور همراه شود. در غیر این صورت، این ظرفیت بی‌بدیل همچنان در حد یک امکان بالقوه باقی خواهد ماند، در حالی که می‌تواند به یکی از مهم‌ترین منابع قدرت و توسعه کشورمان در دهه‌های پیش‌رو تبدیل شود.

# ترامپ؛ بلایی که بر سر اقتصاد دنیا فرود آمد!

ساحل عباسی

خبرنگار

کارشناس و تحلیلگر مسائل اقتصادی گفت: «به گفته تاجر کارلسون اصلی ترین شعار ترامپ، یعنی پایان دادن به جنگ و تخصیص هزینه‌ها برای رفاه مردم در آمریکا عملیاتی نشده و ترامپ به شعار خود خیانت کرده است. مسئله بهبود وضعیت معیشتی در آمریکا برای شهروندان این کشور به قدری مهم است که مردم نیویورک به شعارهای کمک هزینه پرستار بچه و حمل و نقل زهران ممدانی رأی دادند و وی را به عنوان شهردار نیویورک انتخاب کردند.»

«احمد صالحی» کارشناس و تحلیلگر مسائل اقتصادی در گفت‌وگو با «صبح صادق» درباره پیامدهای منفی افزایش قیمت سوخت و به تبع آن میزان تورم و نارضایتی‌های گسترده مردم آمریکا از وفادار نبودن ترامپ به شعارهای انتخاباتی ضد جنگ و بهبود وضعیت زندگی مردم آمریکا به چند نکته مهم پیرامون این موضوع اشاره کرد و گفت: «پل کروگمن یکی از روشنفکران اصلی دنیا و از برجسته‌ترین اقتصاددانان جهان به شمار می‌رود. این اقتصاددان برجسته بعد از حمله و تجاوز مشترک آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران که موجب افزایش قیمت انرژی شد، به این نکته اشاره کرد که افزایش‌های کنونی نرخ انرژی ناشی از سفته‌بازی‌های مرسوم است که در همه بازارها بر اثر توتیت‌ها، عدم قطعیت جنگ و تحلیل‌های تکنیکالی که بر اثر روانشناسی توده‌های بازار ارائه می‌شود، بوده است و بازار نفت هنوز وارد قیمت‌های واقعی خود نشده است.»

وی در این باره خاطر نشان کرد: «احساس خطر جنگ و توتیت‌های مذاکرات و امید به پایان جنگ و باز شدن تنگه هر مزم موجب افزایش یا کاهش موقتی قیمت سوخت می‌شود؛ در حالی که پل کروگمن معتقد است با توجه به اینکه دنیا تا امروز از ذخایر نفتی روی مسیره‌های حمل و نقل اتراق کرده است و این ذخایر ظرف یکی دو هفته آینده به پایان می‌رسد؛ لذا بازار و مصرف‌کنندگان با قیمت‌های سرسام‌آور عجیبی رویه‌رو خواهند شد.»

این کارشناس و تحلیلگر اقتصادی تأکید کرد: «کاهش ۱۳ میلیون بشکه‌ای عرضه نفت با توجه به اینکه تا پیش از جنگ روزانه ۲۰ میلیون بشکه نفت از تنگه هرمز عبور می‌کرد و عربستان سعودی صرفاً توانست ۷ میلیون بشکه را از

خط لوله ینج عبور دهد؛ لذا بازارها همچنان این ظرفیت را از دست داده‌اند، ضمن اینکه محاصره دریایی آمریکا نیز موجب کاهش عرضه نفت شده است. با توجه به اینکه جهان روزانه نیازمند مصرف ۱۰۰ میلیون بشکه نفت است، بنابراین به گفته این کروگمن به عنوان یک اقتصاددان برجسته از یکی دو هفته آینده جهان شاهد اثرات بسیار منفی عرضه نشدن ۱۳ میلیون بشکه نفت خواهد شد. بنابراین از منظر وی طی یکی دو هفته آینده وارد بحران فیزیکی نفت می‌شویم و حتی چیزی به مراتب خطرناکتر و شدیدتر از تحریم نفتی عراق در سال ۱۹۷۰ نفتی در انتظار بازارها و مصرف‌کنندگان است.»

این کارشناس اقتصادی معتقد است: «پل کروگمن معتقد است طرف یکی دو هفته آینده قیمت سوخت در جهان به قدری افزایش می‌یابد که دیگر مردم نتوانند بنزین یا گازوئیل بزنند؛ لذا وی عدد ۳۷۰ دلار برای هر بشکه نفت را طی یکی دو هفته آینده در مدل خود طراحی و پیش‌بینی کرده است، آن هم براساس دو سناریو، یکی حمله به تأسیسات نفتی ایران که البته محاصره دریایی نیز از منظر وی چیزی شبیه به حمله به تأسیسات نفتی ایران است و سناریوی دوم اختلال در کشتیرانی نفت‌کش‌ها در دریای سرخ است که این اختلال نیز بسیار جدی است؛ یعنی اگر هر دو اتفاق بیفتد، ممکن است قیمت نفت به بیش از ۳۰۰ دلار در هر بشکه هم برسد.»

احمد صالحی تصریح کرد: «حتی در صورتی که عربستان سعودی نفت خود را به دلیل نگرانی حملات از باب‌المنذب از این آبراه عبور ندهد و به اجبار با دور زدن از مدیترانه از کانال سوئز عبور کند تا نفت به اروپا برسد، هزینه‌ها کاهش نمی‌یابد؛ ضمن اینکه هزینه‌های حمل و نقل افزایش یافته در نهایت به مشتری و مصرف‌کننده نهایی تحمیل می‌شود. بنابراین در این صورت مصرف‌کننده غربی اعم از اروپا یا آمریکا تحت فشار شدید قیمتی قرار می‌گیرند، چرا که ۲۰ درصد نفت و گاز دنیا از تنگه هرمز عبور

می‌کند.» این تحلیلگر مسائل اقتصادی تأکید کرد: «امروز ترامپ و حامیان جنگ‌طلبش تحت فشار افکار عمومی داخلی آمریکا قرار دارند؛ چرا که افزایش قیمت سوخت اثرات منفی بسیاری روی زندگی و قدرت خرید مردم آمریکا وارد می‌کند.»

وی در این باره توضیح داد و گفت: «افزایش دستمزدها در آمریکا شبیه ایران نیست که متناسب با میزان تورم یا کمتر از آن به صورت سالانه افزایش بیابد؛ برای نمونه مردم آمریکا همچنان در حال پس دادن تورم‌های ۵ درصدی ناشی از کرونا با کاهش قدرت خرید خود هستند. بنابراین دو برابر شدن قیمت بنزین برای هر شهروند آمریکایی به نوعی نابود شدن است.»

وی در خصوص تازه‌ترین آمارهای افزایش قیمت بنزین و کودهای کشاورزی در استرالیا گفت: «بر اساس تازه‌ترین آمارهای گزارش شده از استرالیا در خصوص افزایش نرخ‌ها به عنوان مثال می‌توان به این موضوع اشاره کرد که نرخ بنزین از ۱/۴ دهم دلار به ۲/۸ دهم دلار رسیده است. در کشوری با آب و هوای استرالیا که قطب کشاورزی در دنیاست و صنعت کشاورزی قوی دارد، کمبود کود و افزایش قیمت سوخت دیزل به سه دلار در هر لیتر و کمبود مواد شیمیایی مورد نیاز کشاورزان بخش کشاورزی را در آستانه بحران شدیدی قرار داده است؛ به نحوی که بانک مرکزی این کشور مجبور به اتخاذ سیاست افزایش نرخ بهره شده است؛ موضوعی که روی افزایش اقساط خانه و خودروی شهروندان استرالیایی اثر گذاشته است.»

صالحی در این باره گفت: «افزایش نرخ بهره و تعدیل نیروی کار و افزایش بیکاران در کشورهای غربی، آمریکا و استرالیا موجب از دست دادن خانه و خودروی شهروندان شده است؛ ضمن اینکه به دلیل کمبود یا نبود درآمدزایی بسیاری از مردم این کشورها بیمه‌های عمر و سلامت خود را کنسل کرده‌اند؛ بنابراین، موضوع درمان

به گفته تاجر کارلسون اصلی ترین شعار ترامپ، یعنی پایان دادن به جنگ و تخصیص هزینه‌ها برای رفاه مردم آمریکا عملیاتی نشد و ترامپ به شعار خود خیانت کرد. مسئله بهبود وضعیت معیشتی در آمریکا برای شهروندان این کشور به قدری مهم است که مردم نیویورک به شعارهای کمک هزینه پرستار بچه و حمل و نقل زهران ممدانی رأی دادند و وی را به عنوان شهردار نیویورک انتخاب کردند؛ چرا که تأمین هزینه‌هایی مثل حمل و نقل و پرستار بچه برای خانوارهایی که زن و مرد مجبور به کار کردن هستند، بسیار مهم است



مردم نیز تحت‌الشعاع قرار گرفته است. تعدیل نیرو در بیمارستان‌ها موج‌های بیکاران جدیدی ایجاد کرده است؛ لذا امروز مردم آمریکا و کشورهای غربی و استرالیا که تحت تأثیر موج‌های اقتصاد جهانی و افزایش نرخ سوخت قرار می‌گیرند، به شدت معترض سیاست‌های دروغین و فریب‌کاری‌های دونالد ترامپ هستند و متوجه شده‌اند شعارهای ضد جنگ و حمایت از اقتصاد داخلی آمریکا همه دروغ و فریبی بیش نبود.»

این کارشناس و تحلیلگر مسائل اقتصادی افزود: «به گفته تاجر کارلسون اصلی ترین شعار ترامپ، یعنی پایان دادن به جنگ و تخصیص هزینه‌ها برای رفاه مردم آمریکا عملیاتی نشد و ترامپ به شعار خود خیانت کرد. مسئله بهبود وضعیت معیشتی در آمریکا برای شهروندان این کشور به قدری مهم است که مردم نیویورک به شعارهای کمک هزینه پرستار بچه و حمل و نقل زهران ممدانی رأی دادند و وی را به عنوان شهردار نیویورک انتخاب کردند؛ چرا که تأمین هزینه‌هایی مثل حمل و نقل و پرستار بچه برای خانوارهایی که زن و مرد مجبور به کار کردن هستند، بسیار مهم است.»

وی در این باره تأکید کرد: «وقتی مردم نیویورک به شعارهای سوسیالیستی «زهران ممدانی» برای برخی حمایت‌ها رأی می‌دهند، به این معناست که مردم آمریکا احساس نابرابری و از دست رفتن قدرت خرید دارند. بنابراین، ترامپ نیز با این شعارها از جمله پایان دادن به جنگ و کاهش نرخ انرژی روی کار آمد، حتی در اولین مصاحبه بعد از صد روز کاری خود در کاخ سفید بر این موضوع تأکید کرد که در صد روز اول توانسته قیمت بنزین را کاهش دهد تا مردم آمریکا نفس بکشند؛ شعاری که امروز مردم آمریکا شاهد بر باد رفتن آن و بر باد رفتن زندگی خود با افزایش هزینه‌ها و کاهش قدرت خرید خود هستند. بنابراین، پیش‌بینی می‌شود فشارهای داخلی بر دولت ترامپ و شخص وی روز به روز بیشتر شود.»

## یادداشت

### نه جنگ، نه صلح ممنوع!

ایمان زنگنه

کارشناس اقتصادی



یکی از موضوعاتی که دشمن در مواجهه با ایران برای ضربه زدن به اقتصاد کشور آن را دنبال می‌کند، نرسیدن به نتیجه و آتش‌بس برای به کما بردن اقتصاد ایران است، زیرا دشمن معتقد است در صورتی که ما رادر وضعیت نه جنگ، نه صلح یا آتش‌بس نگاه دارد، اقتصاد ایران را شکننده می‌کند؛ از این رو دولت و حاکمیت باید برای عبور از این وضعیت و کاهش مخاطراتی که دشمن برای اقتصاد ایران در نظر گرفته، بر نامه‌ریزی داشته باشند.

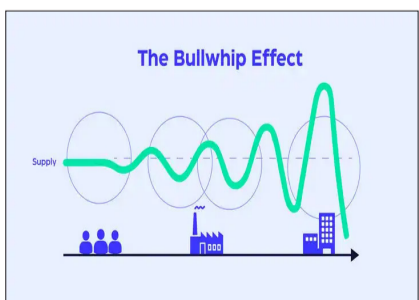
بی‌تردید اقتصاد ایران نباید در وضعیت نه آتش‌بس، نه جنگ قرار بگیرد؛ چرا که این وضعیت اقتصاد را درون هاله‌ای از ابهام و عدم سرمایه‌گذاری قرار می‌دهد. بنابراین بنا به صلاح‌دید حاکمیت و با در نظر گرفتن تأمین منافع ملی که قطع به یقین نتیجه استقامت و پیروزی مطلوب مردم ایران است و از نبرد در صحنه جنگ و اقتدار ایران حاصل شده است، باید مسائلی که به توسعه اقتصاد ایران مربوط می‌شود، مثل عبور و رفع تحریم‌ها بسیار توجه شود تا اقتصاد ایران در شرایط ویژه‌ای قرار بگیرد.»

بی‌شک یکی از مؤلفه‌های تثبیت و تحکیم کشور وابسته به رشد اقتصاد است. بنابراین هر راهبردی که به تحکیم و تثبیت قدرت برای فردای ایران منتهی می‌شود، باید در دستور کار مسئولان قرار بگیرد؛ چرا که نباید تصویر شکننده‌ای از اقتصاد ایران در ذهن سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی شکل بگیرد، بلکه نیازمند ارائه تصویری از توسعه و امنیت هستیم. با توجه به اینکه کشورهای حوزه خلیج فارس به دلیل وابستگی به آمریکا در جنگ چهل روزه به سرمایه‌گذاران ثابت کردند امنیت سرزمینی ندارند و به حمایت آمریکا وابسته هستند، از این‌رو تضمین امنیت ایران می‌تواند فقدان امنیت کشورهای اطراف ما را پر کند و آنها را با سرمایه‌هایشان راهی ایران کند. سیاست‌گذاری‌ها باید به نحوی باشد که ایران محمل امنی برای سرمایه‌گذاری خارجی در منطقه به جهان معرفی شود؛ چرا که از حیث گستردگی و بازار بزرگ و موقعیت جغرافیایی خود از چنین ظرفیتی برخوردار است. بی‌تردید ایران به منزله چهارراه تبادلات و مسیر مبادلات دنیا و دارنده ذخایر عظیم ارزان انرژی و وجود زیرساخت‌های مختلف می‌تواند محلی برای سرمایه‌گذاری بخش‌های گوناگون باشد؛ ضمن اینکه اقتصاد ایران تشنه ورود فناوری و سرمایه است؛ از این‌رو اگر هر فرد و کشوری ایران را به مثابه مقصد سرمایه‌گذاری انتخاب کند با توجه به وجود نیروی جوان و تحصیل کرده می‌توان به رشد و توسعه اقتصاد ایران و سود و منافع سرشاری که از تعاملات و پیمان‌هایی که با ایران ایجاد می‌شود، امیدوار بود.

## افزوده

### اثر شلاقی

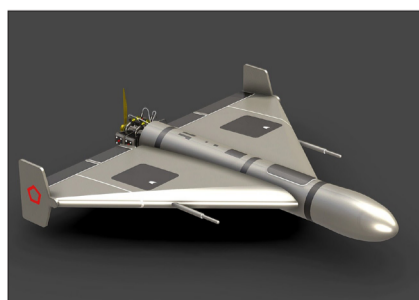
نوسان کوچک در تقاضای مشتریان گاهی به تغییرات عظیم در زنجیره تأمین دامن می‌زند. این پدیده که «اثر شلاقی» نام دارد، از پیش‌بینی‌های نادرست، تأخیر اطلاعات و سفارش‌های اضافی ناشی می‌شود. وقتی خریدفروشی افزایش اندکی در فروش ببیند، سفارش بیشتری ثبت می‌کند. توزیع‌کننده و تولیدکننده نیز واکنش اغراق‌آمیز نشان می‌دهند. در نتیجه شاهد کمبود یا انباشت کالا و افزایش هزینه می‌شویم. در بحران‌هایی مانند جنگ این اثر شدت می‌یابد.



## شاخص

### هزینه نجومی

در حالی که ساخت هر پهپاد شاهد ۱۳۶ ایران تنها ۳۵ هزار دلار هزینه دارد، اما رهگیرهای پیشرفته برای انهدام و سرنگونی آنها میلیون‌ها دلار آب می‌خورد. این شکاف و عدم توازن هزینه، چالشی استراتژیک برای ارتش آمریکا ایجاد کرده است. بنابر گزارش «نیویورک تایمز»، تنها در شش روز نخست درگیری، ایالات متحده ۱۱/۳ میلیارد دلار هزینه کرده است. مؤسسه «امریکن انترپرایز» نیز برآورد می‌کند کل هزینه‌ها تا اوایل آوریل به ۲۵ تا ۳۵ میلیارد دلار رسیده باشد.



## منهای نفت

### لفل دلگه

صادرات فلفل دلگه‌ای رنگی یکی از محصولات راهبردی کشاورزی ایران با ظرفیت ارزش‌آوری بالاست. این محصول به دلیل طعم شیرین، تنوع رنگی و ارزش غذایی بالا (منبع غنی ویتامین C و A) در بازارهای بین‌المللی به‌ویژه روسیه، عراق و کشورهای حاشیه خلیج فارس تقاضای فزاینده‌ای دارد. میزان صادرات سالیانه ایران به ده‌ها میلیون دلار می‌رسد و سودآوری آن تحت تأثیر عواملی چون کیفیت، بسته‌بندی استاندارد، مدیریت زنجیره سرد و نوسانات نرخ ارز است.



# صداق

هفته‌نامه

سیاسی، فرهنگی و اجتماعی

صاحب امتیاز

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

مدیرمسئول:یدالله‌جوانی

سرمدیر:علی حیدری

شورای سیاست‌گذاری:

سایمک‌باقری،سعدالله‌زراعی، عزیزغضنفری، مه‌دی‌سعیدی،فتح‌الله‌پریشان، علی‌قاسمی،حسین‌عبداللهی‌فر،رضاصارمی‌راد دبیرتحریریه:سیدفخرالدین‌موسوی نگارش و ویرایش: محبوبه حاجی آقایی صفحه‌آرا:علی اکبر هدایتی عکاس: حامد گوردزی ناظر چاپ:سعید قاسمی

چاپ: مرکز چاپ سپاه: ۳۸۵۲۲۴۴۶ (۰۲۱)

تلفن: ۱۱۰ و ۷۷۴۶۰۱۰۰ (۰۲۱)

basirat.ir

@sobhesadegh\_fa

نمابر: ۷۷۴۸۸۴۲۶

سامانه پیامک: ۳۰۰۰۹۹۰۰۳۳

شماره ۱۳۳۳ | دوشنبه ۳۱ فروردین ۱۴۰۵

## کتاب

### سرافراز همیشه‌ای

ای پریروزهای غیرت و زخم با مدالی نشسته بر سینه در شبی از شکستن و پرواز صبحی از انتشار آینه من به چشمان خویش می‌بینم بر بلندای شوکت ایمان بر چکاد طلیعه روشن نام پاک تو حک شده ایران ای تمام شناسنامه من روح و جان، آشیانه و مامن مادرم، مادر نخستینم نام پاک تو می‌شود مبین باغ‌رور و نجابتی گلگون واژه‌هایی به هیبت کارون من برایت ترانه می‌خوانم بیت بیئت حماسه‌ای مجنون من برایت حماسه‌ای از سرخ سبزهایی سپید آوردم از گلستان صلح و آرامش یاس‌های امید آوردم گر چه دشمن به کام تو می‌ریخت زهر بر جام تیره تحریم باشکوه ایستاده‌ای چون کوه رو به‌روی دسیسه‌های عظیم اعتبار سیووش و آتش تابش آشکاره آرش زیر پیراهنت به جا مانده جای زخم گلوله و ترکش قلعه‌هایت چه باشکوه و صبور رودها غرق در رجز خوانی سرفراز هزار میدانی وطنم تا همیشه می‌مانی

طاهره پرنیان

### دیپلماسی آمریکایی

بدمستی‌اش بلای تمام جهان شده داروغه‌ای که بر همه عالم مقدّم است آینهٔ دروغ و نفاق است و سفسطه در صحبتش تجلی شیطان مجسم‌است هر کس که زیر سایه لطفش نشسته‌است در جمع نوکران و مقامش معظم‌است هر آن‌که بر علیه جنابش کند خروش خونش مباح بوده و قتلش مسلم‌است از بس که استخوان ضعیفان شکسته‌است طفلی! تو همی شده ارباب عالم‌است از برکت وجود پُر از کبر او بین هر لحظه زندگی بشر، چون جهنم‌است اوضاع و حال و روز جهان درهم‌است تا هر گوشه‌ای بساط نفاقش فراهم‌است دستش به خون مرد و زن و کودک و جوان آلوده‌است و باز به کشتن مصمم‌است در خاطرات جنگِ یمن ردپای او یک مثنوی مصیبت و اندوه و ماتم‌است با او جهان همیشه پر از جنگ و دشمنی‌ست تقدیر و سرنوشت بشر، غصه و غم‌است **امین بهادری زاده**

## صبحانه

### امیدآفرینی

امیدآفرینی، خودفریبی نیست. بعضی‌ها خیال می‌کنند امیدآفرینی پنهان کردن ضعف‌هاست، خودفریبی است؛ نه، ضعف‌ها هم باید بیان بشود، اشکالی ندارد؛ اما در کنار بیان ضعف‌ها باید امیدآفرینی هم بشود، آینده و افق روشن در مقابل چشم قرار بگیرد و نشان داده بشود. (رهبان شهید، ۱/۱۴۰۲)

## داستان

### ملت عزیز ایران

دلم ریخت. مشغول کامنت‌های یک کتاب بودم، متوجه گذر زمان نشدم. دو دل بین رفتن و نرفتن، دیدم یک نفر توی کانالش نوشته: «نگران خلوت بودن خیابان‌ها نباشید؛ مردم از ظهر تا غروب خسته از مراسمات بودند، نیامدن‌شان طبیعی است!» دلم ریخت. دعوای گروه‌ها بعد از توثیق‌های ترامپ ملعون را هم از بعدازظهر دیده بودم. نگران‌تر شدم. سریع زدم بیرون. توی راه به این فکر می‌کردم که حالا چطور روایت کنم این خلوت شدن را. این نیامدن را. سرد شدن مردم

### گریه‌های مردانه

بعد از چند سال زندگی مشترک، می‌دانستم دوست ندارد کسی اشکش را ببیند. گاهی از خودم می‌پرسیدم اصلاً گریه می‌کند؟ یکبار پیش از محرم برایش «دستمال اشک» خریدم. گاهی از سر کنج‌کاوی بعد مراسم چک می‌کردم ببینم خیس شده یا نه. حتی در سوگ عزیزترین آدم‌های زندگی‌اش هم ندیدم شانه‌هایش بلرزد. در فراق رفقای شهیدش هم فقط دیده بودم نماز و دعا می‌خواند و وقت و

### دختری با

### شش نسخه شاهنامه

دستم را مشت کرده بودم زیر چادرم و با اینکه می‌دانستم ته قصه چه می‌شود، همراه بابای الهام داشتم می‌گفتم: «خدا کنه سالن ورزشی رو زنده باشه...» الهام رفته بود کلاس والیبال. همان روزی که آمریکا تهران را زد و میناب رازد و کسی فکر نمی‌کرد لامرد را هم بزنند. عصر شنبه که صدای انفجار بلند می‌شود، بابا و مامان و برادر الهام می‌آیند توی حیاط، دود می‌بینند، می‌فهمند از سمت سالن ورزشی است و می‌روند ببینند چه خاکی بر سرشان شده. در مسیر هم بابای الهام، به رسم بیست‌وهشت سال روضه‌خوانی و تعزیه‌گردانی، زیر لب زمزمه می‌کرده: «سری به نیزه بلند است در برابر زینب/ خدا کند که نباشد سر برادر زینب...»

### پرچم سلاح ماست

هوا به نسبت روزهای قبل بهتر بود. سوز و باران روزهای قبل را نداشت. همین باعث شد وسط خودروپیمایی جلوی موکب شجره طیبه توی چایکنار بایستیم و کنار خادمان موکب پرچم تکان دهیم. شب نزدیک نیمه بود. ماشین‌های آذین‌بسته به پرچم ایران و تصویر آقایان انقلاب از جلوی ما می‌گذشتند. برای همراهی با ما پرچم تکان می‌دادند یا مشت‌گرفته‌خود را نشان می‌دادند. در همین میان، یک ماشین با روی پدال ترمز گذاشت. جلوی پای من ایستاد. شیشه‌ای را که به خاطر سرما بالا بود، پایین کشید و در حالی که چشمش به دنبال پرچم من بود گفت: «بیلدا دا بیزه پرچم ورین. (یه پرچم هم به ما بدید.)» پرچم را سفت چسبیدم و گفتم: «این مال خودمه، اضافه نداریم.» پرچم در حکم سلاح این روزها و شب‌های ماست؛ نمی‌توانستم بسادگی از دستش بدهم. این اتفاق چندین و چند بار تکرار شد. همین‌طور

## صادقانه

### یاری خداوند

«خداوند سبحان را با دل و دست و زبان خود یاری رسانید؛ زیرا خداوند متعهد شده است که یاری‌کننده خود را یاری کند و گرامی دارنده‌اش را گرامی بدارد.»

(نهج‌البلاغه، نامه به مالک اشتر ۱۵۳)

## غیر رسمی

### اگر تحریم نبودیم!

بارها افراد خیرخواه و دلسوز گفته‌اند و بنده هم تأیید می‌کنم که تحریم در موارد بسیاری به سود کشور است، به سود ملت ایران است، این را افراد دلسوز و علاقه‌مند و مطلع بیان می‌کنند. بله، تحریم یک مشکلاتی را ایجاد می‌کند؛ تحریم مبادلات بانکی، تحریم نفتی و غیره ممکن است یک مشکلاتی را به وجود بیاورد، اما در نهایت به نفع کشور است.

یکی از مسئولان کشور می‌گفت که در یک جلسه خارجی، یک نفر از سیاستمداران خارجی به ما می‌گفت آقا! شما در دوران تحریم توانستید این همه سلاح‌های مدرن تولید کنید؛ خیلی توانایی شما بالاست؛ با اینکه تحریم بودید توانستید چنین کارهای بزرگی انجام بدهید؛ اگر تحریم نبودید، چه کار می‌کردید؟ این آقا می‌گفت: به او گفتم اگر تحریم نبودیم، این کارها هیچ‌کدام انجام نمی‌گرفت؛ درست هم گفته. تحریم موجب می‌شود که ما به خودمان مراجعه کنیم، دنبال تولید [برای تأمین] نیازها از درون خودمان باشیم، ابتکارات خودمان را شناسایی کنیم، بشناسیم.

(بیانات در دیدار کارگران،

۱۳۹۸/۴/۲)

## حسن ختام

### سلام عزیز قلبم!

سلام از کنار غم سنگینی که روزهاست کنج قلب‌مان جا خوش کرده و شب‌ها به خیابان و نام‌های زیبایی که بر لب داریم می‌سپاریمش. سلام از همه راه‌هایی که این روزها می‌رویم تا غم جانسگانه نبودن فرزند شما را تاب بیاوریم. سلام از تمام دعاهای فرجی که برای سلامتی‌تان ورد زبان‌مان است و شده قاب زیبای پایان این شب‌ها، شب‌های فراق.

سلام از ریخ دستان بر روی سینه، آن هنگام که سلام‌تان می‌دهیم، از همه آن مشت‌های گره کرده‌ای که صبر و غم و خشم‌مان را درونش جا دادیم و از دور و نزدیک بر سر دشمن خار و زبون فرود آوردیم. سلام از اشک‌های گرم روی گونه‌های زخمی‌مان که همه بی‌بهبانه، این روزها می‌باریم.

از روزهای سخت و سرد یتیمی پناه بر بلندای نام‌تان، پناه بر قلب تنهایی که تنهایی و غریبی‌مان را می‌بیند و غم ما غم اوست.

حال‌مان را می‌بینید؟ می‌بینید چه بیچاره و سرگردان و غریب شده‌ایم. چونان کسی که گمشده‌ای عزیز دارد؛ از پس تلخی این روزها بر نمی‌آیم آقا! بر کدام عرش تکیه داده‌ای که اینگونه صبوری و روی را از ما پنهان داشته‌ای؟ برای حال‌نزار و بیچارگی این روزهای‌مان شتاب کن یابن الحسن! شتاب کن و دست یاری‌ات را برای کوبیدن و شکست دشمن، مثل همیشه بر شانه‌مان بگذارد...

هم پشت پرچم یک بابایی پیدا کردم؛ با قدم‌های مورچه‌ای. دست و پای چند نفر را له کردم چون فشردگی جمعیت جلوی پایم را تاریک کرده بود و نمی‌گذاشت جایی را ببینم. چادر دو تا خانم هم زیر پایم کشیده شد؛ برگشتند چشم‌غره رفتند برایم. هر چه چشم چرخاندم دنبال یک دست‌نوشته‌ای، فحشی چیزی، فقط سجاده‌های پهن‌شده برای نماز استغاثه به امام زمان دیدم. سجاده‌ها باز کف خیابان فرش شده بود. صف‌های فشرده مردم آرام کف خیابان همچنان ایستاده بود؛ بعد از چهل‌وهشت شب. الکی که نیست. «ملت عزیز ایران» خوب امانت‌داری می‌کنند، چون یک نفر روی‌شان حساب کرد، سپرد دست‌شان و رفت.

که می‌نشیند، با سرآستین همان لباس سیاهی که حتی موقع خواب هم از تش در نمی‌آورد، اشکش را پاک می‌کند. آقا! غمت با مردهای ما چه کرد؟ دیشب مادرش زد روی شانه‌اش و گفت: «روله، چهلم آقا هم که گذشت، دیگه این پیراهن سیاه رو از تنت دربیار...» سرش را بلند نکرد؛ فقط گفت: «آقا که هنوز دفن نشده!» اما این اشک‌ها فقط مال خلوت‌هایش در خانه است. توی میدان، رجز می‌خواند و دندان روی هم می‌سابد و در مقابل دشمن، به خون‌خواهی قائد شهید ایستاده است.

دخترش، از چادر نقش حضرت سکینه(س) و از شش نسخه شاهنامه‌ای که حالا گوشه اتاقش است گفت، مامانش اشک ریخت، آه کشید و دوباره اشک ریخت. آخرش هم رفت روی صحنه، کنار همسرش ایستاد و گفت: «من دخترم رو به پدر شهیدم سپردم؛ به شهید سید علی خامنه‌ای...» پن: شنبه ۹ اسفند ۱۴۰۴، آمریکا می‌خواسته مو شک PRSM را برای اولین بار آزمایش کند تا ببیند آن قدری که خرج ساختنش کرده، آدم می‌کشد یا نه. سه‌تایش را می‌اندازد روی لامرد. مو شک PRSM این طوری است که چند متر مانده به هدف، توی هوا منفجر می‌شود و هزاران ترک‌شش تا شعاع سیصد‌پانصد متری محل، جان می‌گیرد و خون می‌ریزد. شهید الهام زائری- دخترک یازده‌ساله قصه ما- و بیست شهید دیگر، قربانی آزمایش PRSM شدند.

رفتم جلو تا آخرین عکس یادگاری از پرچمی را که سوار ماشین خارجی شده بود، ثبت کنم. پسر متوجه شد. سقف ماشینش را باز کرد و شروع کرد به رجزخوانی. «الان این‌وری یا اون‌وری معنی نداره، الان بحث، بحث و طنمونه.» این را گفت و گوش‌اش را جلو آورد. به پس‌زمینه گوش‌اش- که عکس رهبر شهید بود- اشاره کرد و گفت: «من دهه‌فتمادی این آقا رو دوس دارم. حالا یا خودش باشه یا ورژن جدید که پسرشه. من پسرشم می‌خوام و پشتشم.» بعد اشاره کرد به خودش و محمد مهدی و گفت: «آقا، ما و شما با هم مملکت رومی سازیم.» حرف‌هایش که تمام شد، با همسرم خداحافظی کرد. پاروی پدال گاز گذاشت و با سرعت بالا از جلوی ما رد شد و رفت. من زل زدم به پرچم‌مان که باد پیچیده بود لا به‌لای تار و پودش.

باید برای شب‌های بعد فکری می‌کردیم. ابراز شرمندگی در قبال ماشین‌هایی که دوست داشتند با پرچم توی شهر بچرخند و پرچم نداشتند، درست نبود. باید ماشین‌های شهر مسلح می‌شدند به پرچم ایران....

کبری جوان